

حقوق جزای اختصاصی بر مبنای کود جزای ۱۳۹۶

جزوه شماره (۲۰)

تخلفات اطفال

Juvenile Crimes (Delinquencies)

اسد ۱۳۹۹

تهیه و ترتیب: سازمان بین المللی انکشاف حقوق (IDLO)

کابل، افغانستان

وب سایت: www.idlo.int

در مورد این جزوه

تمام مواد و مندرجات این جزوه در مطابقت با قوانین افغانستان ترتیب گردیده است. به منظور اطمینان از مطابقت با تعدیلات جدید در قوانین افغانستان لازم است این جزوه در فواصل زمانی معین مورد بازنگری قرار گیرد. حق هر نوع تغییر جزئی یا کلی در این جزوه مربوط به سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) می‌باشد.

تمام موادی که محتوی این کتاب را تشکیل می‌دهد برای استفاده شخصی و غیر تجارتي شما است. حق طبع و نشر این مواد برای سازمان بین‌المللی انکشاف حقوق (IDLO) محفوظ است.

قوانین مورد استفاده:

۱. قانون اساسی افغانستان، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۸۱۸) سال ۱۳۸۲، کابل مطبعه دولتی.
۲. قانون اجراءات جزائی، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۳۲) سال ۱۳۹۳، کابل مطبعه دولتی.
۳. قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۴۶)، سال ۱۳۹۳.
۴. قانون حمایت حقوق طفل، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۳۳۴) سال ۱۳۹۷، مطبعه دولتی.
۵. کود جزاء، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۶۰) سال ۱۳۹۶، کابل مطبعه دولتی.
۶. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۸۴۶) سال ۱۳۸۴.
۷. قانون سرپرستی اطفال، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۳۰) سال ۱۳۹۳.
۸. قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال، فرمان شماره (۱۴۱) سال ۱۳۸۷.
۹. میثاق حقوق طفل در اسلام، جریده رسمی شماره (۱۳۳۰) سال ۱۳۹۷.

فهرست مطالب

مقدمه ۱

فصل اول

احکام عمومی

مبحث اول : مفاهیم و اصطلاحات	۴
گفتار اول: تعریف طفل از دیدگاه شرع، قانون و کنوانسیون های بین المللی	۴
گفتار دوم: مسؤولیت طفل	۶
گفتار سوم: توضیح مفاهیم اصطلاحات: « بین، حدود و تخمین» در رابطه به تعیین سن	۸
مبحث دوم: اهداف قانون رسیدگی به تخلفات اطفال	۱۰
مبحث سوم : ویژه گی های رسیدگی به تخلفات اطفال	۱۱
نتیجه گیری فصل اول:	۱۳

فصل دوم

کشف و تحقیق جرایم اطفال

مبحث اول : حالات کشف جرایم اطفال	۱۵
گفتار اول: حالات دستگیری	۱۵
گفتار دوم: اطلاع دستگیری	۱۶
گفتار سوم : حقوق طفل متخلف در جریان تحقیق و محاکمه	۱۸
گفتار چهارم: محل نگهداری طفل متخلف دستگیر شده	۱۹
گفتار پنجم: ترتیب محضر طفل مظنون	۱۹
مبحث دوم: حالات تحقیق جرایم اطفال	۲۱
گفتار اول: میعاد اكمال تحقیق	۲۱
گفتار ششم: احضار طفل	۲۷
گفتار هفتم: ارجاع قضیه طفل بالاتر از ۱۸ سال به مراجع مربوطه	۲۷
نتیجه گیری فصل دوم:	۲۹

فصل سوم

طرز محاکمه اطفال

مبحث اول: اجراءات مربوط به محاکمه اطفال	۳۱
گفتار اول: معرفی محکمه اختصاصی اطفال	۳۱
گفتار دوم: صلاحیت حوزوی و موضوعی محاکم اختصاصی اطفال	۳۲
مبحث دوم: قضایای قابل رسیدگی	۳۴
گفتار اول: طرز برخورد با اطفالیکه دارای روش و سلوک غیرعادی هستند	۳۵

۳۵	گفتار دوم: طرز رسیدگی به طفل نیازمند مراقبت و حفاظت و چگونگی کمک با وی
۳۷	گفتار سوم: مراحل رسیدگی
۳۸	گفتار چهارم: میعاد صدور حکم
۳۸	گفتار پنجم: محرمیت رسیدگی
۴۰	گفتار هفتم: ابلاغ فیصله
۴۲	مبحث دوم: استیناف و فرجام خواهی
۴۵	مبحث سوم: مجازات اطفال
۴۵	گفتار اول: ارتکاب جنایت توسط طفل
۴۵	گفتار دوم: ارتکاب جنحه و یا قباحت توسط طفل
۴۶	گفتار سوم: مجازات شروع به جرم در حصه اطفال
۴۷	گفتار چهارم: تعویق محاکمه و تعلیق حجز
۴۹	نتیجه گیری فصل سوم:

فصل چهارم

وظایف مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی

مبحث اول: وظایف و صلاحیت های مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، در قبال رگان های قضائی

۵۲

۵۲	الف: تسلیمی طفل
۵۲	ب: احضار طفل
۵۳	ج: ارائه گزارش
۵۴	د: مراقبت از تطبیق حکم
۵۴	مبحث دوم: وظایف و صلاحیت های مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی در مورد اطفال
۵۵	الف: تجدید نظر در پروگرام های اصلاحی:
۵۵	ب: فراهم آوری تسهیلات:
۵۶	مبحث سوم: انواع حجز در مراکز اصلاح و تربیت اطفال
۵۶	الف: حجز در بخش باز مرکز اصلاح و تربیت اطفال
۵۶	ب: حجز در بخش بسته مرکز اصلاح و تربیت اطفال
۵۶	نتیجه گیری فصل چهارم:
۵۸	منابع و مآخذ

مقدمه

در این جزوه آموزشی طرز رسیدگی به تخلفات اطفال مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اطفال و سایر قوانین نافذه که مبین احکام و حقوق اطفال اند، مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. شکی نیست که اطفال یک قشر ضعیف و نیازمند جدی مراقبت، حمایت و حفاظت جامعه بشری است، و در مراحل مختلف توسط اشخاص و گروه‌های مختلف مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرند و به ارتکاب تخلفات سوق داده می‌شوند و در مجموع یک قشر آسیب پذیر جامعه پنداشته می‌شوند. چون در حقیقت امر همه اطفال در پناه خانواده زندگی نمی‌کنند، علاوه بر این اطفال وجود دارند که در خانواده‌ها زندگی می‌کنند لیکن افراد خانواده با آن‌ها برخورد نادرست می‌کنند؛ مانند لت و کوب کردن بدلیل این که آن‌ها را تربیه میدهند، یا این که آن‌ها را به مقصد استفاده اقتصادی به کار می‌گمارند و از این طریق آن‌ها را از حق تعلیم و برخی دیگری از حقوق محروم می‌سازند. آنچه در سرآغاز توافقنامه بین‌المللی حقوق طفل در سال ۱۹۸۹ م در رابطه به بی تفاوتی جامعه جهانی راجع به هتک حرمت اطفال ذکر شده است بمثابه فریاد هولناکیست که خطورت مسأله را به سمع جهانیان میرساند، در دیباچه این توافقنامه چنین آمده است: این یک امر مسلم است که در تمام کشورهای جهان اطفالی وجود دارند که زندگی بسیار دشواری را بسر می‌برند، و این اطفال به یک نوع پرورش خاص ضرورت دارند، بلکه درحالات عادی نیز یک طفل به سبب نارسایی بدنی و عقلی که دارد به نگهداری و پرورش خاص نیازمند است، منجمله حمایت قانونی مناسب قبل و بعد از ولادت.

می‌توان گفت، قانون گذار افغانستان به این فریاد لبیک گفته و قانون رسیدگی به تخلفات اطفال را وضع نموده، که ماده اول آن چنین مشعر است: « این قانون با نظر داشت ارزش‌های مندرج ماده پنجاه و چهارم قانون اساسی و رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایه حقوق بشر و بخصوص منافع اطفال به منظور:

طرز رسیدگی به جرایم اطفال متخلف از قانون؛

- اطفال در معرض خطر؛
- اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت؛
- و تأمین حقوق آن‌ها در جریان تحقیق و محاکمه وضع گردیده است".

برخلاف عنوان قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، مندرجات این قانون فراتر از موضوع رسیدگی به تخلفات اطفال می‌باشد، چون دربرگیرنده احکام حفاظت از اطفال می‌باشد که در معرض خطر قرار دارند و یا نیازمند مراقبت و حفاظت هستند. لذا در حقیقت این قانون به منظور حمایت از اطفال وضع گردیده است، لذا بر مبنای صراحت ماده دوم آن، اهداف این قانون عبارت است از:

- ۱- اصلاح و تربیت مجدد اطفال متخلف از قانون؛
 - ۲- محترم شمردن نقش اساسی اطفال در اعمار جامعه و حمایت جسمی، اخلاقی، معنوی و رفاه اجتماعی آنها؛
 - ۳- مشخص نمودن مسؤولیت والدین، سرپرست یا وکیل قانونی اطفال؛
 - ۴- رعایت کنوانسیون حقوق طفل در جریان تحقیق و بعد از محاکمه؛
 - ۵- استماع بیانات و نظریات اطفال حین تحقیق و محاکمه توسط خود یا ممثل قانونی آنها؛
 - ۶- تشویق به نظارت مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی غیر دولتی به منظور جلوگیری از تخلفات اطفال؛
 - ۷- حفاظت از اطفالیکه در معرض خطر قرار داشته و نیازمند مراقبت و محافظت باشند.
- در این جزوه آموزشی مسایل و موضوعات مربوط به کشف، تحقیق و محاکمه اطفال مطابق احکام مندرج قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، کود جزا و سایر قوانین مرتبط نافذه، ضمن چهار فصل ذیلاً ترتیب گردیده است: فصل اول: احکام عمومی، فصل دوم: کشف و تحقیق جرایم اطفال، فصل سوم: طرز محاکمه اطفال و فصل چهارم: وظایف مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، می باشد.

فصل اول

احکام عمومی

اهداف آموزشی:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ مفاهیم و اصطلاحات مهم حقوق اطفال را توضیح دهند؛
- ☞ حالات مسؤولیت جزائی و مدنی اطفال را شرح دهند؛
- ☞ ویژگی های رسیدگی به تخلفات اطفال را در نهاد تحقیق و محاکمه بیان نمایند.

عناوین:

- مفاهیم و اصطلاحات.
- اهداف قانون رسیدگی به تخلفات اطفال.
- ویژه گی های رسیدگی به تخلفات اطفال.

فصل اول

احکام عمومی

در این فصل نخست از مفاهیم و اصطلاحات «مبحث اول»، سپس از اهداف قانون رسیدگی به تخلفات اطفال «مبحث دوم» و اخیراً از ویژه گی های رسیدگی به تخلفات اطفال «مبحث سوم» بحث می کنیم.

مبحث اول: مفاهیم و اصطلاحات

تعریف طفل از دیدگاه شرع، قانون و کنوانسیون های بین المللی را در گفتار اول، مسؤولیت طفل را در گفتار دوم و توضیح مفاهیم اصطلاحات: «بین، حدود و تخمین» در رابطه به تعیین سن را در گفتار سوم بیان می کنیم.

گفتار اول: تعریف طفل از دیدگاه شرع، قانون و کنوانسیون های بین المللی

اول: تعریف تعریف طفل از دیدگاه شرع

قریب به اتفاق همه علما و فقها، طفل را شخصی دانسته اند که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد.

علما و فقهای اسلام برای طفولیت ادواری را ذکر کرده اند و آن را به سه دوره تقسیم نموده اند.^۱

الف: از ولادت تا هفت سالگی

طفل در این دوره «صبی غیر ممیز» نامیده می شود که مرحله قبل از سن تمیز است و اکثر علما در مورد این دوره و تعیین سن آن، توافق دارند و معتقدند که طفل در این دوره تحت هیچ عنوان، مسؤولیت جزایی ندارد و نمی توان او را به هیچ وجه تحت عنوان تأدیب و اصلاح و به مفهوم خاص آن مجازات نمود. چون صبی غیر ممیز در این دوره مانند مجنون است که هیچ اهلیت ندارد و گفته شده که صغر از عوارض است و لازمه ماهیت انسان نیست و صغر با اهلیت، منافات دارد و اگر مرتکب جرایم مستوجب حدّ یا تعزیر شود مسؤولیت و مجازات ندارد البته از نظر مدنی مسؤل در اموال خودش می باشد، اگر ضرری به کسی برساند و خودش اموال نداشته باشد از دارایی والدین و یا سرپرست قانونی اش گرفته می شود.^۲

۱. الرزقاء، مصطفی، المدخل الفقهي العام، ص ۷۳۳.

۲. وهبه، الزحیلی، قضایا الفقه والفکر المعاصر ج ۲، ص: ۲۹۰.

ب: از هفت سالگی تا ظهور بلوغ

این دوره گاهی با رسیدن سن و گاهی با ظهور علایم و گاهی با هر دو شروع می‌شود طفل در این دوره «صبی ممیز» خوانده می‌شود ولی فقها در تعیین سن و بلوغ آن اختلاف نظر دارند .

صبی ممیز کسی است که بتواند اجمالاً بین نفع و ضرر خود فرق گذارد و معاملات سود آور را از زیانبار تشخیص دهد.

احناف تصرفات صبی ممیز را بدون اذن ولی اگر منجر به نفع او گردد، جایز دانسته اما تصرفاتی که احتمال ضرر و سود هر دو را دارند تنها با اذن ولی صحیح دانسته اند. حنابله تصرف ممیز را با اذن ولی صحیح دانسته و بدون اذن ولی در چیزهای کوچک و کم خطر مانند خرید اجناس ادنی جایز می‌دانند. اما امامیه و شوافع معامله صبی را غیر شرعی و غیر صحیح می‌دانند اما در صورتی که ولی اجازه بدهد معامله صحیح دانسته می‌شود.

ج: از سن بلوغ به بعد

در این دوره شخص دارای مسئولیت کامل می‌باشد و در صورت ارتکاب جرم و نبود موانع، مجازات می‌شود. از نظر شوافع و حنابله، بلوغ با رسیدن به ۱۵ سالگی در دختر و پسر هر دو محقق می‌گردد. مالکیه سن بلوغ دختر و پسر را ۱۷ سالگی دانسته اند و احناف می‌گویند که ۱۸ سال تمام در پسر و ۱۷ سال تمام در دختر سن بلوغ و تکلیف است.^۱

دوم: تعریف طفل از نگاه قانون:

تکمیل سن هجده سالگی معیار تفکیک بین طفل و بزرگسال در قوانین جزایی افغانستان، پنداشته شده است ماده ۹۵ کود جزاء : طفل را چنین تعریف نموده است: «طفل به شخصی اطلاق می‌گردد که هجده سال را تکمیل نکرده باشد».

همچنان مطابق بند اول ماده سوم قانون حمایت حقوق طفل، « طفل: شخصی است که سن هجده را تکمیل نکرده باشد»^۲.

^۱ . الموسوعة الفقهية الكويتية ج ۸ ص ۱۹۲

^۲ . قانون حمایت حقوق طفل، تاریخ نشر (۲۰) حوت سال ۱۳۹۷، نمبر مسلسل: (۱۳۳۴).

سوم: تعریف طفل از دیدگاه کنوانسیون حقوق طفل

مطابق ماده اول کنوانسیون حقوق طفل: «منظور از کودک یا طفل، افراد انسانی زیر ۱۸ سال است، مگر اینکه طبق قانون قابل اجرا، در مورد کودک، سن بلوغ کمتر تشخیص داده شود»^۱. بناءً از نظر کنوانسیون حقوق طفل، یک طفل انسانی است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد، مگر اینکه سن بلوغ از نظر حقوق جاری در کشورهای مربوط زودتر تعیین شده باشد.

چهارم: تعریف طفل از دیدگاه میثاق حقوق طفل در اسلام

تعریف طفل در میثاق حقوق طفل در اسلام ناشی از تعریف فقهای شریعت اسلامی از مرحله طفولیت است که بر معیار بلوغ استوار می‌باشد. ماده اول میثاق حقوق طفل در اسلام در زمینه چنین صراحت دارد: «بر اساس این میثاق، طفل به کسی گفته می‌شود که در برابر قانون مکلف نبوده و به سن بلوغ نرسیده باشد»^۲. بنابراین عامل سنی مهمترین عاملی است که اطفال را از بزرگسالان جدا می‌کنند به همین دلیل فقهاء و حقوقدانان در تنظیم حقوق و مکلفیت‌های اطفال به سن آنها توجه خاص دارند. با توجه به مطالب فوق دیده شد که سن اطفال بیان کننده حد مسؤولیت آنها است.

قابل یادآوری است که مطابق ماده ۷ قانون اساسی کشور رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی، موضوع دیگری است که ما مکلف به رعایت آن می‌باشیم و از میان کنوانسیون‌های بین‌المللی، یکی هم کنوانسیون حقوق طفل می‌باشد که تمامی دولت‌های عضو کنوانسیون مذکور، مکلف اند تا احکام آن را در قوانین داخلی خود بگنجانند و مطابق آن تدابیر لازم را اتخاذ نمایند.

در وضع قانون رسیدگی به تخلفات اطفال؛ رعایت فقرات ۱ و ۲ ماده ۱۹ و نیز فقرات ۱، ۲ و ۳ ماده ۲۰ کنوانسیون بین‌المللی حقوق طفل لحاظ شده است در وضع قانون رسیدگی به تخلفات اطفال؛ رعایت فقرات ۱ و ۲ ماده ۱۹ و نیز فقرات ۱، ۲ و ۳ ماده ۲۰ کنوانسیون بین‌المللی حقوق طفل لحاظ شده است.

گفتار دوم: مسؤولیت طفل

یک: مسؤولیت جزائی طفل

منظور از مسؤولیت جزائی همان مرحله‌ای است که طفل از شکستن هنجارهای جامعه مسؤول شناخته می‌شود و این وقتی تحقق پیدا می‌کند که طفل به سن‌ای رسیده باشد که همان تادیب را درک کرده بتواند و الا تطبیق تادیب بالای طفل بی‌معنا خواهد بود. این مسؤولیت‌پذیری را قانون تکمیل سن ۱۲ سال تعیین نموده و قبل از

۱. کنوانسیون حقوق کودک مصوب نوامبر ۱۹۸۹.

۲. میثاق حقوق طفل در اسلام، جریده رسمی شماره: (۱۳۳۰) تاریخ نشر (۵) حوت سال ۱۳۹۷ ه.ش.

آن مرحله عدم مسؤولیت است. چنانچه ماده ۹۶ کود جزاء بیان میدارد: « طفلی که ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشد، مسؤولیت جزایی نداشته و دعوای جزایی علیه وی اقامه نمی‌شود. » پس معیار برای مسؤولیت و عدم مسؤولیت در امور جزائی تکمیل سن ۱۲ سال می‌باشد یعنی اگر طفل سن ۱۲ را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب تخلف مسؤولیت جزائی نداشته و دعوای جزایی علیه وی اقامه نمی‌گردد.

۲- مسؤولیت مدنی:

از نظر قانونی مسؤولیت مدنی طفل در هیچ حالت قابل اسقاط نبوده بلکه در تمامی حالات ثابت و لا متغیر می‌باشد و از این جهت مقید به سن و سال هم نمی‌باشد یعنی طفل چه سن ۱۲ سالگی را تکمیل کرده باشد یا نکرده باشد و یا حتی در مرحله غیرممیزی که سن ۷ سالگی را هم تکمیل نکرده باشد، اگر تخلف مدنی ببار می‌آورد باز هم مسؤولیت مدنی اش ثابت بوده و مکلف به پرداخت جبران خساره خواهد بود.

اما از این‌که طفل به صورت عموم از خود مال و دارائی مستقل ندارد، والدین و یا ممثل قانونی وی جبران خساره را پرداخت خواهد نمود. چون زمانی که ما حقوق را از لحاظ اجتماع و فرد تقسیم می‌نمائیم می‌بینیم که چهار نوع حقوق وجود دارد، حق الله محض « مانند حدود »، حق العبد محض « مانند ایجاد خساره به مال مردم »، حقوق مشترک که در آن حق الله غالب است « مانند زنا به عنف حقوق مشترک که در آن حق العبد غالب است و ارجحیت دارد « مانند قصاص ».

بنابراین دیده می‌شود که که جبران خساره از جمله حقوق العبد محض است پس در هیچ حالات قابل صلح و گذشت نبوده مگر این که صاحب مال به خواهد زیرا از نظر علم حقوق قواعد مدنی از جمله قواعد تکمیلی و یا تفسیری بشمار می‌رود و یکی از خصایص قواعد تکمیلی و تفسیری این است که هر نوع توافق برخلاف آن جواز دارد مگر این که مخالف قانون نباشد

فلهذا اگر صاحب مال بخواهد، تاوان که از طرف طفل به مال وی رسیده ببخشد و یا صلح نماید از نظر قانونی هیچ نوع اشکالی ندارد اما اگر مطالبه جبران خساره نماید پس به هیچ عنوان از بابت این که طفل است و یا زیر سن قرار دارد قابل گذشت نخواهد بود.

فعالیت شماره (۱)

سوال مباحثوی:

آیا ممکن است یک طفل هم مسؤولیت جزائی کسب کند و هم مسؤولیت مدنی؟

پاسخ احتمالی:

این وضعیت زمانی ممکن خواهد بود که طفل سن ۱۲ سالگی را تکمیل نموده باشد و مرتکب تخلف شود مثلاً شخصی را مضروب نماید که در نتیجه این تخلف هم مسؤولیت جزائی را کسب می‌کند از جهت اختلال نظم عامه و تکمیل سن ۱۲ سالگی و هم مسؤولیت مدنی را از قبیل تداوی و بستری کردن شخص مضروب چون قبلاً متذکر شدیم که مسؤولیت مدنی به هیچ وجه ساقط نمی‌شود.

گفتار سوم: توضیح مفاهیم اصطلاحات: «بین، حدود و تخمین» در رابطه به تعیین سن

به تاریخ ۱۳۹۴/۷/۲۵ سیمیناری با اشتراک مسؤولین طب عدلی، رؤسای خائرنوالی و محاکم اختصاصی اطفال دایرگردید و روی مفاهیم و اصطلاحات متذکره بحث صورت گرفت و در نتیجه متذکر شدند که در رابطه به تعیین سن باید از همین سه کلمه «بین، حدود و تخمین» استفاده شود و هر یکی و مفاهیم ذیل را تداعی می‌کند.

بین: عدم تکمیل نیم

حدود: تکمیل نیم

تخمین: تکمیل سال

بین: اگرگرفته شود که سن طفل بین ۱۵ و ۱۶ سال است، مرادش این است که سن طفل از ۱۵ سال و ۶ ماه کمتر است. مثلاً ۱۵ سال و دوماه و یا ۱۵ سال سه ماه است.

حدود: اگرگرفته شود که سن طفل حدود ۱۷ و ۱۸ است، مفهومش این است که طفل هفده سال و شش ماه را تکمیل کرده است. مثلاً ۱۷ سال و هشت ماه و یا ۱۷ سال نو ماه

تخمین: اگرگرفته شود که سن طفل ۱۸ سال تخمین گردیده است، به این معنی است که طفل ۱۸ سالگی را تکمیل نموده و یک شخص بالغ است.

تبصره:

دانستن این اصطلاحات چه اهمیت دارد؟

دانستن این مفاهیم در تعیین مجازات مطابق ماده ۹۷ و ۹۸ کود جزا اثرات مهم دارد، زیرا محکمه تاریخ وقوع جرم را در نظر می‌گیرد.

اگر طفل حین ارتکاب جرم زیر سن ۱۸ سال باشد و در وقت گرفتاری، توقیف و یا محاکمه سن آن مطابق نظریه طب عدلی ۱۸ سال تخمین شود، به این معنی است که سن ۱۸ سال را تکمیل کرده است. بناءً محکمه مربوطه « محکمه اختصاصی اطفال و در ولایات که محکمه اطفال وجود نداشته باشد دیوان جزای عمومی » مطابق قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، اجراآت نموده و به حجز در محبس حکم میکنند.

مبحث دوم: اهداف قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

مطابق حکم ماده دوم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، اهداف این قانون عبارت است از:

- ۱- اصلاح و تربیت مجدد اطفال متخلف از قانون؛
- ۲- محترم شمردن نقش اساسی اطفال در اعمار جامعه و حمایت جسمی، اخلاقی، معنوی و رفاه اجتماعی آنها؛
- ۳- مشخص نمودن مسؤولیت والدین، سرپرست یا وکیل قانونی اطفال؛
- ۴- رعایت کنوانسیون حقوق طفل در جریان تحقیق و بعد از محاکمه؛
- ۵- استماع بیانات و نظریات اطفال حین تحقیق و محاکمه، توسط خود و یا ممثل قانونی آنها؛
- ۶- تشویق به نظارت مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی غیر دولتی به منظور جلوگیری از تخلفات اطفال؛
- ۷- حفاظت از اطفالیکه در معرض خطر قرار داشته و نیازمند مراقبت و محافظت باشند.

فعالیت شماره (۲)

سوال مباحثی:

اگر طفل در راه عام و یا سرک عام توپ بازی کند و در نتیجه بازی وی شیشه موتر یک شخص میده شود والدین مسئول پرداخت جبران خساره اند یا خیر؟ همچنان اگر طفل در یک پارک تفریحی در حال بازی باشد و موتر از انجا عبور کند و صدمه ای به این موتر توسط طفل برسد والدین مکلف به پرداخت جبران خساره می باشند یا خیر؟

پاسخ احتمالی: والدین زمانی مکلف به پرداخت جبران خساره طفل می شوند که مسؤولیت مدنی ناشی از غفلت یکی از آنها باشد.

لذا در فرضیه اول والدین مسئول پرداخت جبران خساره اند زیرا راه عام و یا سرک عام برای تفریح اختصاص داده نشده بلکه برای عبور و مرور است، برعکس در فرضیه دوم والدین مکلف به پرداخت جبران خساره نیستند زیرا پارک برای تفریح اختصاص داده شده نه برای عبور و مرور موترها.

مبحث سوم : ویژه گی های رسیدگی به تخلفات اطفال

ویژه گی های رسیدگی به تخلفات اطفال را می توان در عرصه های ذیل خلاصه نمود:

اول: از نظر نهاد تحقیقاتی « خارنوالی »

قضایای اطفال متمایز از قضایای بزرگسالان است از همین جهت است که هرگاه اطفال، جرایم را به صورت مشترک با بزرگسالان مرتکب شوند طبق بند ۲ فقره ۲ ماده ۱۵۵ قانون اجراءات جزایی ، دوسیه آنها از هم تفکیک شده و به مرجع مربوطه اشرار می شود. همین موضوع در قانون اطفال به وضاحت ذکر شده چنانچه فقره ۲ ماده نهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال بیان کننده تشکیلات خارنوالی اختصاصی اطفال می باشد طوریکه خارنوالی اختصاصی اطفال دارای یک رئیس و اعضای مسلکی و اداری می باشد که در مورد تخلفات اطفال مطابق به احکام قوانین نافذ کشور اجراءات می نمایند.

خارنوال اختصاصی اطفال باید حایز کدام شرایط باشد ؟

مطابق فقره ۳ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال اعضای مسلکی خارنوالی اختصاصی اطفال دارای شرایط ذیل اند:

۱. فارغ پوهنخی حقوق یا شرعیات؛
۲. سپری نمودن دوره ستاژ خارنوالی؛
۳. شهرت و سیرت نیک و حسن رویه با اطفال.

دوم: از نظر نهاد محاکماتی « محاکم اختصاصی اطفال »

رسیدگی به تخلفات اطفال توسط محکمه اختصاصی اطفال صورت می گیرد. در ولایات که تا کنون این محاکم تشکیل نگردیده است. موضوعات مطروحه را دیوان جزای عمومی محکمه شهری مستقر در همان ولایت رسیدگی می نماید.

مطابق ماده ۶۷ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه محکمه اطفال متشکل از یک رئیس و سه عضو قضائی میباشد. قضات محکمه اختصاصی اطفال، باید از استعداد، آموزش مسلکی و تجربه خاص در مسائل مربوط به اطفال برخوردار باشند.

منظور از تجربه در موضوعات اطفال این است که:

- شخص قبلاً بحیث وکیل مدافع در قضایای اطفال کار نموده باشند
- یا خارنوال اختصاصی اطفال بوده باشند
- وکیل مدافع در قضایای اطفال بوده باشد

• روانشناس اطفال بوده باشد .

نتیجه گیری فصل اول:

بعد از شرح و تحلیل مفاهیم و اصطلاحات مرتبط به قانون رسیدگی به تخلفات اطفال که در فصل اول این جزوه آموزشی مورد بحث قرار گرفت، به نتایج ذیل نائل شدیم:

۱. مرحله طفولیت نزد علماء و فقهای شریعت اسلامی بر معیار بلوغ استوار است و طفل به کسی گفته می شود که به سن بلوغ نرسیده باشد.

۲. تکمیل سن هجده سالگی معیار تفکیک بین طفل و بزرگسال در قوانین جزایی افغانستان، پنداشته شده است؛

۳. معیار برای مسئولیت و عدم مسئولیت، در امور جزائی تکمیل سن ۱۲ سال می باشد. بناءً طفلی که سن ۱۲ را تکمیل نکرده باشد در صورت ارتکاب تخلف مسئولیت جزائی نداشته و دعوی جزایی علیه وی اقامه نمی گردد.

۴. در رابطه به تعیین سن باید از اصطلاحات: «بین، حدود و تخمین» استفاده شود. اصطلاح «بین»: عدم تکمیل نیم سال را افاده می کند. در حالیکه اصطلاح «حدود»: مفهوم تکمیل نیم سال را افاده می کند. اما اصطلاح «تخمین»: تکمیل یک سال را افاده می نماید.

۵. به طور عموم اهداف مجازات عبارتند از: اصلاح و تربیه مجدد متخلفین و مجرمین؛ عبرت برای دیگران؛ حمایت از حقوق جامعه؛ جلوگیری از انتقام خصوصی؛ و تشفی صدور مجنی علیهم.

۶. ویژهگی های رسیدگی به تخلفات اطفال نهاد تحقیقاتی «خارنوالی اختصاصی» و محاکماتی «محاکم اختصاصی اطفال» خلاء صه می شود.

فصل دوم

کشف و تحقیق تخلفات اطفال

اهداف آموزشی:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ حالات کشف جرایم اطفال را توضیح دهند؛
- ☞ موارد دستگیری اطفال را لست نمایند؛
- ☞ حقوق اطفال متخلف را در جریان کشف و تحقیق برشمارند؛
- ☞ چگونگی تحقیق با اطفال متخلف را تطبیق و عملی نمایند.

عناوین:

- کشف جرایم اطفال
- تحقیق جرایم اطفال

فصل دوم

کشف و تحقیق تخلفات اطفال

در این فصل ضمن دو مبحث نخست از حالات کشف جرایم اطفال « مبحث اول»، سپس از حالات تحقیق جرایم اطفال « مبحث دوم» بحث می‌کنیم..

مبحث اول : حالات کشف جرایم اطفال

کشف جرایم اطفال که از موارد ابتدایی شناسائی مرتکب به شمار می‌رود و نخستین اقدامات است که علیه طفل متخلف بکار می‌رود چنانچه در ماده دهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال پیشبینی گردیده است.

گفتار اول: حالات دستگیری

ماده دهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال حالات دستگیری را چنین تصریح نموده است:

«(۱) در صورت وجود شواهد علنی مبنی بر ارتکاب جرم جنحه یا جنایت، پولیس صلاحیت دارد طفل را در یکی از حالات ذیل دستگیر نماید:

۱- در صورت امکان خطر فرار طفل.

۲- در صورت خطر از بین رفتن اسناد و شواهد جرم.

۳- در صورت امکان خطر تکرار جرم جدید.

(۲) شخص کمتر از هجده سال دستبند (ولچک) زده نمی‌شوند، مگر اینکه امکان وقوع فرار یا صدمه زدن به خودشان و یا دیگران موجود باشد.

(۳) محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد، حین صدور حکم توقیف قبل از محاکمه، عوض توقیف نمودن طفل راه های حل مناسب دیگری را مطالعه نماید.

(۴) اطفال تحت توقیف جدا از بزرگسالان نگهداری می‌شوند».

مطابق این ماده، هرگاه جرم جنایت و یا جنحه به صورت جرم مشهود بوقوع بپوندد پولیس صلاحیت دستگیری طفل را دارد.

منظور از حالت " امکان خطر تکرار جرم جدید" در بند ۳ فقره (۱) ماده ۱۰ قانون اطفال چیست؟

این صورت از حالات دستگیری طفل در جنایت و یا جنحه، در قسمت شخص واحد و اشخاص متعدد، قابل تصورات است:

در قسمت شخص واحد: در صورتی که طفل مرتکب جرم معین، مثلاً ضرب و جرح گردد و برای ممانعت از شکایت، قصد دارد متضرر را به قتل برساند.

در قسمت اشخاص متعدد: هرگاه یک فرد، شاهد ارتکاب جرم طفل باشد، و طفل برای ممانعت از شهادت این فرد در محکمه، قصد قتل وی را نماید.

بنابراین پولیس برای پیش گیری از این موارد، مطابق قانون صلاحیت دستگیری وی را دارد.

ولچک زدن به شخص کمتر از سن ۱۸ بر اساس قانون جواز ندارد مگر اینکه موارد ذیل وجود داشته باشد:

- فرار طفل متصور باشد.

- امکان صدمه رساندن بخودش و یا به دیگران موجود باشد.

منظور از " راه های حل مناسب دیگری" به عوض توقیف چیست؟

مطابق حکم مواد ۲۰ و ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، راه های حل مناسب دیگری بجای توقیف طفل، با توجه به شرایط مقرر در این مواد، قرار ذیل است:

• سپردن طفل به ممثل قانونی و یا اقارب با اخذ ضمانت معتبر .

• توصیه و تشویق به مصالحه و پرداخت غرامت در قباحت.

گفتار دوم: اطلاع دستگیری

اطلاع دستگیری در ماده یازدهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال چنین تبیین گردیده است:

«(۱) پولیس مکلف است موضوع دستگیری و محل مراقبت طفل را در مدت بیست و چهار ساعت از زمان دستگیری به ممثل قانونی طفل و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی اطلاع دهد، در صورت عدم اطلاع در مدت مذکور، پولیس مکلف است راپور کتبی موضوع را با ارائه دلایل تأخیر به خازنوالی مربوط توضیح نماید. هرگاه پولیس قادر به ارائه عذر معقول نباشد، موضوع قابل تعقیب عدلی پنداشته می شود.»

(۲) ممثل قانونی می‌تواند بلا فاصله بعد از دستگیری طفل، رهائی وی را به قید ضمانت تقاضا نماید. پولیس و خازنوال مکلف است در مدت بیست و چهار ساعت در مورد درخواست رهائی طفل تصمیم خویش را اتخاذ و اعلام نماید. در صورت عدم اتخاذ تصمیم، ممثل قانونی می‌تواند، به خازنوال ما فوق شکایت نماید.

(۳) خازنوال و قاضی می‌توانند طفل را به قید ضمانت بدون تضمین مالی رها کنند، مگر این که حالت وی ایجاب توقیف را نماید.

(۴) ممثل قانونی می‌تواند رهائی طفل توقیف شده را به قید ضمانت و یا تمدید آن را در طول جریان تحقیق یا محاکمه تقاضا نماید. در صورتی که محکمه توقیف بیشتر طفل را لازم نداند، می‌تواند حکم رهائی طفل را بدون ضمانت صادر نماید».

فعالیت شماره (۳)

سوال مباحثوی:

دلایل تأخیر اجراءات پولیس در فقره (۱) ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، چی می‌باشد؟

پاسخ احتمالی: پولیس مکلف است دلایل معقول در عدم اجراءات به موقع، به خازنوالی مربوطه ارائه کند.

موارد ذیل میتواند از جمله دلایل تأخیر باشد:

- رخصتی
- غایب بودن وعدم حضور ممثل قانونی حین دستگیری

فعالیت شماره (۴)

سوال مباحثوی:

به اساس حکم فقره (۳) ماده ۱۱ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: «خازنوال و قاضی میتوانند طفل را به قید ضمانت بدون تضمین مالی رها کنند».

منظور از رهائی به قید ضمانت بدون تضمین مالی، کدام نوع ضمانت است؟

پاسخ احتمالی: منظور از ضمانت احضار خود طفل در مرحله تحقیق است. مطابق فقره ۲ ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، طفلیکه مرتکب جنحه گردیده باشد، با اخذ ضمانت به ممثل قانونی یا اقارب وی سپرده می‌شود تا در مرحله تحقیق وی را حاضر نمایند.

گفتار سوم: حقوق طفل متخلف در جریان تحقیق و محاکمه

مهمترین حقوقی که در جریان تحقیق و محاکمه اشخاص، علی‌الخصوص در حصه اطفال باید در نظر گرفته شود قرار ذیل است:

- ۱- حق سکوت
- ۲- حق داشتن وکیل مدافع
- ۳- حق ترجمان
- ۴- حق داشتن مساعد حقوقی
- ۵- اطلاع از جرم منسوبه^۱

یکی از موازین محاکمه عادلانه، برگزاری جلسه قضائی با استنادهای قضائی است حقوق که در فوق ذکر شد، از جمله موارد هستند که در یک جلسه قضائی عادلانه صرف نظر از این که جلسه قضائی مربوط به بزرگسالان باشد یا اطفال اقتضای رعایت حقوق متذکره را می‌نماید.

پس زمانی که رعایت حقوق ذیل در حصه افراد بالغ حتمی باشد در حصه اطفال به طریق اولی الزامی خواهد بود. البته باید یاد آور شد که در ماده ۲۲ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال صرف از حق داشتن وکیل مدافع و حق گرفتن ترجمان و در صورت عدم توان مالی از حق مساعد حقوقی تذکر رفته است، اما از سایر حقوق چیزی گفته نشده که ما می‌توانیم الزامیت سایر حقوق را از دو بُعد دریافت نمائیم.

اول: بر اساس ماده ۶۴ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال که چنین مشعر است: «هرگاه حکمی در مورد رسیدگی به قضایای اطفال در این قانون پیشینی نگردیده باشد، موضوع مطابق احکام قوانین نافذ کشور مورد رسیدگی قرار می‌گیرد».

یکی از قوانین نافذ کشور، قانون حمایت حقوق طفل است^۲. چون بحث ما روی موضوعات شکلی است از قبیل حق سکوت، حق داشتن وکیل مدافع ... و غیره.

بناءً مطابق ماده ۸۲ قانون حمایت حقوق طفل، مظنون و متهم در جریان تحقیق و تعقیب عدلی دارای حقوق ذیل می‌باشند که به طور نمونه یک چند مورد آن را تذکر می‌دهیم:

^۱ - ماده ۸۲ قانون حمایت حقوق طفل، منتشره جریده رسمی شماره (۱۳۳۴) سال ۱۳۹۷.

^۲ - منتشره جریده رسمی شماره (۱۳۳۴) سال ۱۳۹۷.

۱- اطلاع از جرم منسوبه^۱

۲- مصوونیت از توهین، تحقیر، تعذیب جسمی، روانی و هر گونه برخورد غیر انسانی^۲.

۳- استماع شهودی که به نفع وی ادای شهادت می نمایند^۳.

دوم: بر اساس ماده اول قانون رسیدگی به تخلفات اطفال که چنین تذکره نموده است: «این قانون با نظر داشت ارزش های مندرج ماده پنجاه و چهارم قانون اساسی و رعایت کنوانسیون های بین المللی حمایه حقوق بشر و بخصوص منافع اطفال به منظور طرز رسیدگی به جرایم اطفال متخلف از قانون، اطفال در معرض خطر و اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت و تأمین حقوق آنها در جریان تحقیق و محاکمه وضع گردیده است».

در نخست ماده فوق این موضوع را بازگو می کند که یکی از اهداف وضع قانون اطفال، در نظر گرفتن حقوق آنها در جریان تحقیق و محاکمه است. که منظور از تأمین حقوق اطفال در جریان تحقیق و محاکمه رعایت حقوق آنها می باشد همانگونه که اشخاص بزرگسال از حق سکوت، حق داشتن وکیل مدافع، حق ترجمان و غیره.... برخوردار هستند اطفال نیز از همان حقوق در جریان تحقیق و محاکمه برخوردار می باشند.

گفتار چهارم: محل نگهداری طفل متخلف دستگیر شده

مطابق حکم ماده دوازدهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: «طفل مظنون دستگیر شده در یک محل خاص مؤقتاً توقیف قرار می گیرد. اداره توقیف مکلف است برای طفل تحت توقیف زمینه دسترسی به خدمات اجتماعی، تعلیمی، حرفه، روحی و صحتی را با نظر داشت اقتضای سن و جنس وی مساعد سازد».

محل نگهداری اطفال مظنون، و متهم بر اساس ماده ۲ قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال تنظیم می گردد که در بلاک مجزا از اطفال تحت حجز، مؤقتاً تحت توقیف قرار می گیرند. اداره توقیف مکلف به فراهم آوری زمینه دسترسی به خدمات اجتماعی، تعلیمی، حرفوی، روحی و صحتی اطفال تحت توقیف به مقتضای سن و جنس آنان است.

گفتار پنجم: ترتیب محضر طفل مظنون

بر اساس ماده سیزدهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: «(۱) پولیس مکلف است از تاریخ کشف در مدت بیست و چهار ساعت، اوراقی را که حاوی محضر و تمام معلومات لازم مربوط به طفل مظنون باشد، ترتیب و به خازنوالی اختصاصی اطفال جهت تکمیل تحقیق رجعت دهد.

۱- همان، فقره ۱.

۲- همان، فقره ۳.

۳- همان، فقره ۴.

(۲) در صورتی که اوراق حاوی محضر و تمام معلومات لازم مربوط در مدت بیست و چهار ساعت تکمیل شده نتواند، خارنوال اختصاصی اطفال صلاحیت دارد، بعد از تقاضای کتبی پولیس میعاد تسلیمی اوراق و معلومات لازم را برای مدت چهل و هشت ساعت تمدید نماید. همچنان خارنوال صلاحیت دارد طفل را به ممثل قانونی وی تسلیم نماید».

مدت ترتیب محضر در قسمت اطفال، از زمان کشف جرم توسط پولیس، ۲۴ ساعت است. اگر پولیس در این مدت نتواند محضر و معلومات لازم مربوط به طفل را ترتیب و تکمیل کند، خارنوال اختصاصی اطفال به تقاضای کتبی پولیس، مدت ترتیب محضر را برای چهل و هشت ساعت دیگر، نیز تمدید می نماید. این مدت جمعاً ۷۲ ساعت می شود.

خارنوال صلاحیت دارد، در ارتکاب قباحت، طفل را به ممثل قانونی وی مطابق به ماده ۲۱ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، تسلیم نماید.

مبحث دوم: تحقیق جرایم اطفال

گفتار اول: میعاد اكمال تحقیق

طبق حکم ماده چهاردهم: صلاحیت خارنوال تحقیق، برای تکمیل تحقیق بعد از مواصلت دوسیه یک هفته است. در این مدت صلاحیت دارد طفل را تحت توقیف قرار دهد. اگر در یک هفته تحقیق را تکمیل کرده نتوانست، برای سه هفته دیگر از محکمه درخواست تمدید تحقیق را کرده میتواند. در صورت تمدید میعاد تحقیق، محکمه طی ۲۴ ساعت در مورد توقیف طفل یا رهائی آن تصمیم اتخاذ می کند. به این معنی، اگر طفل تحت توقیف بود، قرار مبنی به رفع توقیف ضمن ضمانت صادر می کند و یا اگر طفل متخلف رها بود و برای جلوگیری از تخلف، نیاز به توقیف دید، ضمانت رهایی وی را لغو نموده و قرار توقیف صادر کند، تصمیم محکمه شامل هردو حالت می گردد.

ممثل قانونی طفل، طفل، و وکیل مدافع وی از حکم توقیف قبل از محاکمه شکایت کرده میتوانند.

علت شکایت بر حکم توقیف قبل از محاکمه چیست؟

مطابق فقره ۳ ماده ۱۰ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، محکمه صلاحیت دارد تا قبل از صدور حکم توقیف، راه های حل دیگری را جستجو نماید مثلاً هرگاه تخلف طفل جزئی بوده و حالت آن ایجاب توقیف را نکند ولی محکمه قرار توقیف را صادر نماید. و یا میعاد توقیف آن سپری شده باشد و طفل همچنان به صورت غیر قانونی تحت توقیف قرار داشته باشد، در این صورت طفل، ممثل قانونی و وکیل مدافع حق شکایت بر حکم توقیف را به محکمه مربوطه، دارا اند.

وظایف مدیریت خدمات اجتماعی در مرکز اصلاح و تربیت اطفال دارای کارکرد های ذیل است:

۱. تأمین روابط بین طفل متخلف و ممثل قانونی.
۲. جمع آوری معلومات از محیط و محل زندگی طفل.
۳. حضور در ریاست طب عدلی برای تثبیت سن و نظارت از معاینات.

گفتار دوم: میعاد ترتیب صورت دعوی

بر مبنای ماده پانزدهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: «خارنوال اختصاصی اطفال مکلف است، بعد از تکمیل تحقیق و جمع آوری سوابق مندرج ماده هفدهم این قانون در مدت یک هفته صورت دعوی را ترتیب و رسماً به محکمه ارایه نماید. در صورتیکه ارایه صورت دعوی در مدت متذکره ممکن نگردد، خارنوال می تواند از

محکمه مربوط برای مدت سه هفته تقاضای تمديد را نمايد، مشروط بر اينکه طفل تحت توقيف قرار نداشته باشد».

صلاحيت خارنوال تعقيب برای ترتيب صورت دعوی مدت يك هفته است. در صورت عدم ترتيب صورت دعوی در يك هفته، خارنوال تاسه هفته ديگر از محکمه مطالبه تمديد کرده ميتواند. مشروط بر اينکه طفل تحت توقيف نباشد يعنی به ضمانت رها باشد.

بناءً، اگر طفل تحت توقيف باشد بايد در مدت يك هفته صورت دعوی را ترتيب دهد؛ اما اگر خارنوال نتواند در مدت يك هفته صورت دعوی خود را ترتيب کند و طفل در توقيف هم باشد طفل بايد رها شود. مدت مجموعی ميعاد تحقيق و تعقيب، دو ماه است.

گفتار سوم: حفظ دوسيه

ماده شانزدهم قانون رسيدگی به تخلفات اطفال در زمينه چنين مشعر است: «در صورت عدم موجوديت دلايل الزام جهت محاکمه طفل، خارنوال دوسيه را حفظ و جريان را در مدت يك هفته برای مجنی عليه و مدعی حق العبد ابلاغ می نمايد. مدعی حق العبد می تواند در خواست جبران خساره خویش را به محکمه مدنی مربوط طی مدت سی روز تقديم نمايد».

موارد حفظ دوسيه قرار ذيل است:

۱. فقدان دلايل الزام
 ۲. صدور عفو عمومی
 - ۳- صدور عفو خصوصی
- ۱- هرگاه تخلفی واقع شود و خارنوال نتواند دلايل الزام جمع آوری کند بناءً به حفظ دوسيه مبادرت می ورزد، ولی اگر از ناحیه آن جرم، ، شخصی ديگری متضرر گردد متضرر می تواند در محکمه مدنی، جبران خساره را مطالبه نماي
- ۲- در صورت عفو عمومی وصف جرمی به موجب قانون مباح می گردد، بناءً دوسيه حفظ گردیده اما برای شخص متضرر، حق مطالبه جبران خساره و دعوی حق العبدی وجود دارد. چون سقوط دعوی جزائی موجب سقوط دعوی مدنی شده نمی تواند.
- ۳- عفو خصوصی: بر اساس فقره ۱۸ ماده ۶۴ قانون اساسی افغانستان رئيس جمهور سال ۱۳۸۲ دارای صلاحیتها و وظایف ذیل می باشد:
- «فقره ۱۸ - تخفيف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون».

بناءً عفو خصوصی، یکی از صلاحیت های رئیس جمهور است که بنا بر مناسبت های خاص مانند میلاد النبی صلی الله علیه وسلم، عید سعید فطر، عید سعید اضحی ... و غیره که با در نظرداشت یک سلسله شرایط خاص صادر می گردد و بر مبنای آن تحت شرایط خاص عفو خصوصی، عفو صورت می گیرد.

فعالیت شماره (۵)

کار گروهی:

اشتراک کنندگان به چهار گروه کاری تقسیم گردند، سپس هر گروه وجوه اشتراک و افتراق میان عفو عمومی و خصوصی را برجسته بسازند.

پاسخ احتمالی: منظور از ضمانت احضار خود طفل در مرحله تحقیق است. مطابق فقره ۲ ماده ۲۰ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، طفلی که مرتکب جنحه گردیده باشد، با اخذ ضمانت به ممثل قانونی یا اقارب وی سپرده می شود تا در مرحله تحقیق وی را حاضر نمایند.

تفاوت میان عفو عمومی و خصوصی قرار ذیل است:

۱- در عفو عمومی وصف جرمی کاملاً از بین می رود و عملی که قبلاً جرم بود با صدور عفو عمومی کاملاً مباح می گردد و این قاعده عمومیت پیدا می کند و بر عام افراد سرایت می کند.

در حالی که در عفو خصوصی ماهیت جرمی از بین نرفته بلکه وصفیت جرم کاملاً به حال خود باقیست، صرف رئیس جمهور صلاحیت دارد که یکعه ای خاص از محبوسین و محجوزین را بنا بر مناسبت های خاص مورد عفو قرار دهد.

۲- عفو عمومی بر اساس تصامیم پارلمان صورت می گیرد در حالیکه عفو خصوصی از طرف رئیس جمهور صورت می گیرد.

گفتار چهارم: سپردن طفل به ممثل قانونی

ماده بیستم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین صراحت دارد: «(۱) طفل صاحب عقل و درایت که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم جنحه یا جنایت جهت تکمیل تحقیق تحت حجز قرار داده نشده، خرنوال وی را جهت مراقبت به، ممثل قانونی یا اقارب با رعایت درجات و اخذ ضمانت سپرده می تواند.

(۲) طفلی که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشند، در صورت ارتکاب جرم جنحه جهت تکمیل تحقیق به پیشنهاد خارنوال مربوط بعد از استیذان محکمه ذیصلاح به ممثل قانونی یا اقارب شان با رعایت درجات و اخذ ضمانت سپرده می‌شوند می‌شوند.

(۳) هرگاه اطفال مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده، ممثل قانونی یا اقارب نداشته باشند، جهت مراقبت به مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا سائر مؤسسات آموزشی و پرورشی تسلیم داده می‌شوند.

(۴) طفلی که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشند، در صورت ارتکاب جرم جنایت جهت تکمیل تحقیق به پیشنهاد خارنوالی مربوط و استیذان محکمه ذیصلاح جهت حجز به مراکز اصلاح و تربیت اطفال سپرده می‌شوند.

(۵) خارنوال اطفال مکلف است قبل از اتخاذ تصمیم قانونی علیه طفل مندرج فقره (۳) این ماده، موضوع را با مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مربوط در میان بگذارد.

(۶) مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مربوط مکلف اند، معلومات مکمل اضافی را در مورد شرایط زندگی، رفتار و سلوک طفل توأم با پیشنهادات در زمینه به خارنوالی و محکمه مربوط ارائه نمایند».

بر اساس ماده فوق:

- ۱- طفلی که سن دوازده را تکمیل نکرده باشد و مرتکب جرم جنحه و یا جنایت شود، مطابق فقره ۲ ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، به ممثل قانونی یا به اقاربش با اخذ ضمانت برای مراقبت و تثبیت مسؤلیت مدنی تسلیم داده می‌شود می‌شود. اما مسؤلیت جزائی به وی راجع نمی‌گردد.
- ۲- طفلی که سن دوازده سال را تکمیل نموده و سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد، مرتکب جنحه گردد، برای تکمیل تحقیق، به استیذان محکمه، به ضمانت کتبی رها شده و به ممثل قانونی یا اقارب وی سپرده میشود.

بر اساس ماده فوق:

- ۱- طفلی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد و مرتکب جرم جنحه و یا جنایت شود، مطابق فقره ۲ ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، به ممثل قانونی یا به اقاربش با اخذ ضمانت برای مراقبت و تثبیت مسؤلیت مدنی تسلیم داده می‌شود می‌شود. اما مسؤلیت جزائی به وی راجع نمی‌گردد.

۲- طفلی که سن دوازده سالگی را تکمیل نموده و سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد، مرتکب جنحه گردد، برای تکمیل تحقیق، به استیذان محکمه، به ضمانت کتبی رها شده و به ممثل قانونی یا اقارب وی سپرده میشود.

فعالیت شماره (۵)

سوال مباحثوی:

منظور از اقارب در فقره (۲) ماده ۵ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، کی‌ها اند، و مقصد از ضمانت چه نوع ضمانتی است؟

پاسخ احتمالی:

مطابق ماده ۲۳ قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال اقارب عبارت اند از: « ۱- پدر ۲- مادر ۳- برادر ۴- خواهر ۵- پدرکلان ۶- مادرکلان».

مقصد از ضمانت، عبارت از ضمانت بالنفس و یا احضار شخص است. اکثر اوقات که کلمه ضمانت در قانون تخلفات اطفال، بکار برده می‌شود منظور از آن ضمانت بالنفس است. یعنی ضامن مکلفیت دارد که در جریان تحقیق و محاکمه، طفل را حاضر نماید.

فعالیت شماره (۶)

سوال مباحثوی:

چه کسانی منحیث ضامن قبول می‌شوند؟

پاسخ احتمالی:

- کسانی که سند را تحت تضمین بگذارند و سند مذکور از طرف محکمه مورد تأیید قرار گیرد مانند سند خانه، دکان و غیره.
- اقاربی که صحیح التصرف بودن شان مورد تأیید و قناعت محکمه قرار بگیرد.

۳- متخلف جنحه، سن وی کمتر از ۱۲ سال باشد و همچنان متخلف جنحه و جنایت که سن ۱۲ را تکمیل نموده باشد، در صورتی که ممثل قانونی نداشته باشد، به مرکز اصلاح و تربیت اطفال و سایر مؤسسات آموزشی، جهت مراقبت سپرده می‌شود.

۴- طفلی که مرتکب جرم جنایت شده باشد، به هیچ وجه به ضمانت رها ن نمی‌گردد. بلکه در مراکز اصلاح و تربیت اطفال تحت توقیف قرار می‌گیرد. چون جنایت جرم سنگین است که خطرش به جامعه بیشتر است لذا ایجاب رهایی بالضمانت را نمی‌کند.

۵- خارنوال با مراکز اصلاح و تربیت اطفال در مورد اطفال که ممثل قانونی نداشته باشند تفاهم می‌نمایند و قبل از این که علیه شان تصمیم قانونی اتخاذ نماید، آن‌ها را از موضوع در جریان قرار می‌دهد.

۶- مطابق ماده ۲۲ قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال، یکی از مسؤولیت‌های مسؤولین مراکز اصلاح و تربیت اطفال ترتیب دوسیه‌ها برای اطفال مظنون، متهم و محکوم به حجز است. ترتیب دوسیه دارای دو مزیت ذیل است:

۱- بر اساس معلومات درج شده در دوسیه‌ها، اطفال گروپ بندی می‌شوند.

۲- این دوسیه‌ها که حاوی معلومات صحی و سوابق تعلیمی طفل است محکمه می‌تواند به رؤیت این دوسیه حکم خود را دقیق تر صادر نماید.

گفتار پنجم: جمع آوری فورم‌ها

ماده بیست و چهارم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه جمع آوری فورم‌ها چنین صراحت دارد: « (۱) خارنوال مکلف است غرض تکمیل دوسیه نسبتی طفل متهم فورمه‌های مخصوص که حاوی معلومات دقیق مندرج ماده هفدهم این قانون می‌باشد، جمع آوری نماید.

(۲) در صورت که طفل با شخص بالاتر از هجده سال مشترکاً مرتکب جرم شده باشد، اقدامات قانونی علیه وی به صورت مجزا طبق احکام این قانون صورت می‌گیرد».

بر مبنای حکم این ماده: خارنوال مکلف است که جهت تکمیل دوسیه طفل متهم، فورم‌های مخصوص که حاوی معلومات مندرج ماده ۱۷ قانون اطفال است، جمع آوری نماید. از قبیل:

۱. فورم محضر گرفتاری پولیس؛

۲. فورم مندرج ماده ۱۷ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال.

فقره دوم ماده ۱۷، مبین حالتی است که طفل همراه فردی بالاتر از سن ۱۸ مشترکاً مرتکب جرم گردیده است. قضایای این‌ها به صورت جداگانه رسیدگی می‌گردد. در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال حکمی در زمینه موجود نیست. اما قانون اجراءات جزائی در ماده ۱۵۵، تحت عنوان تفریق و یک جاسازی قضایا، احکامی در این زمینه دارد. که یکی از موارد تفریق مورد است که طفل به همراهی بزرگسال بزرگ سال مشترکاً مرتکب جرم

شده باشد، که در این صورت قضیه اطفال به خارنوالی اطفال و قضیه بزرگسال به خارنوالی بزرگسالان محول می‌شود.

گفتار ششم: احضار طفل

ماده بیست و پنجم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال راجع به احضار طفل چنین صراحت دارد: «(۱) طفل متهم جهت تحقیق یا محاکمه از طریق ممثل قانونی وی احضار می‌گردد. در صورت که ممثل قانونی طفل را حین احضار همراهی نکند، به حکم محکمه مبلغ پنجصد افغانی جریمه می‌گردد.

(۲) هر گاه هرگاه طفل در مراکز اصلاح و تربیت اطفال تحت توقیف باشد، در صورت ضرورت جهت اكمال تحقیق و یا محاکمه جلب آن‌ها از طریق مراکز مذکور صورت می‌گیرد.

(۳) ممثل قانونی طفل، مسؤولین مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا سائر مؤسسات آموزشی و پرورشی مکلف اند در صورت ضرورت طفلیکه تحت مراقبت یا توقیف شان قرار دارد، جهت اكمال تحقیق یا محاکمه در وقت معینه حاضر نمایند».

از فقره اول ماده فوق چنین برداشت می‌شود که طفل متهم است و به ممثل قانونی وی برای مراقبت سپرده شده و به ضمانت رها است. و کلمه « طفل را حین احضار همراهی نکند » به این معنی است که والدین اش طفل را تا دفاتر تحقیق و محاکمه می‌آورد اما در دفاتر مذکور وی را همراهی نمی‌کند بلکه ویرا تنها می‌گذارد. در این صورت والدین اش به ۵۰۰ افغانی جریمه نقدی محکوم می‌گردند.

فقره دوم افاده می‌نماید که طفل در مراکز اصلاح و تربیت اطفال تحت توقیف است و برای تکمیل تحقیق و محاکمه باید حاضر ساخته شود.

فقره سوم این ماده تأییدکننده فقره اول است. ممثل قانونی، مسؤولین مراکز اصلاح و تربیت اطفال و سایر مؤسسات، مکلف اند طفل را به موقع حاضر کنند.

گفتار هفتم: ارجاع قضیه طفل بالاتر از ۱۸ سال به مراجع مربوطه

موضوع ارجاع قضیه طفل بالاتر از ۱۸ سالگی در ماده هجدهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال چنین تبیین گردیده است: «(۱) در صورت که نزد خارنوال یا محکمه اطفال بعد از شروع تحقیق یا محاکمه ثابت شود که سن متهم حین ارتکاب جرم بیشتر از هجده سال بوده، آن‌ها مکلف اند قضیه را به مراجع مربوط آن محول نمایند. (۲) در صورت که متهم به تصمیم مندرج فقره (۱) این ماده قناعت نداشته باشد، می‌تواند به مقامات فوقانی استیناف طلب گردد، مقامات فوقانی موضوع را به هیئت طبی مندرج فقره (۳) ماده ششم این قانون محول

نموده و صدور فیصله نهائی معطل می‌گردد. هرگاه متهم تحت توقیف قرارداشته باشد، هیئت طبی مکلف است در مدت یک هفته، نظر خویش را ارائه نماید».

مطابق فقره ۴ ماده ۶ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، در محاکمه اطفال، تاریخ وقوع جرم معتبر است. هرگاه در جریان تحقیق و محاکمه، نزد شارنوال و محکمه ثابت شود که سن طفل حین ارتکاب جرم از هجده سال بیشتر بوده است، قضیه به مراجع مربوطه محول می‌گردد.

اگر متهم به تصمیم اتخاذ شده قناعت نداشت، می‌تواند استیناف طلب گردد. در این صورت محکمه استیناف موضوع را به هیئت طبی مندرج ماده ۶ فقره ۳ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال محول می‌کند. حکم محکمه الی تثبیت سن متهم، معطل قرار داده می‌شود. اگر طفل تحت توقیف باشد باید طب عدلی طی یک هفته نظر خویش را ارائه نماید.

اگر هیئت طبی، برای ارائه نظر خویش تقاضای تمدید مدت برای یک هفته دیگر را نمائید و طفل تحت توقیف باشد، مطابق ماده ۶۴ این قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، حکم ماده ۴۸ قانون اجراءات جزائی رعایت می‌گردد، و آن عبارت است از ابراز نظر طی مدت معینه و در غیر آن تمدید مدت را خواستار می‌شود.

نتیجه گیری فصل دوم:

بعد از شرح و تحلیل موارد کشف و تحقیق در روشنائی قانون رسیدگی به تخلفات اطفال ضمن فصل دوم این جزوه آموزشی، به نتایج ذیل نائل شدیم:

۱. پولیس مکلف است موضوع دستگیری و محل مراقبت طفل را در مدت بیست و چهار ساعت از زمان دستگیری به ممثل قانونی طفل و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی اطلاع دهد؛
۲. یکی از موازین محاکمه عادلانه، برگزاری جلسه قضائی با استنرد های قضائی است. لذا رعایت حقوق مظنون و متهم از جمله موارد هستند که در یک جلسه قضائی عادلانه صرف نظر از اینکه جلسه قضائی مربوط به بزرگسالان باشد یا اطفال، مدنظر گرفته شود؛
۳. مدت ترتیب محضر در قسمت اطفال، از زمان کشف جرم توسط پولیس، ۲۴ ساعت است. اگر پولیس در این مدت نتواند محضر و معلومات لازم مربوط به طفل را ترتیب و تکمیل کند، خارنوال اختصاصی اطفال به تقاضای کتبی پولیس، مدت ترتیب محضر را برای چهل و هشت ساعت دیگر، نیز تمدید می نماید. این مدت جمعاً ۷۲ ساعت می شود.
۴. خارنوال صلاحیت دارد، در ارتکاب قباحت، طفل را به ممثل قانونی وی تسلیم نماید.
۵. طفلی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد و مرتکب جرم جنحه و یا جنایت شود، به ممثل قانونی یا به اقاریش با اخذ ضمانت برای مراقبت و تثبیت مسؤلیت مدنی تسلیم داده میشود. اما مسؤلیت جزائی بوی راجع نمی گردد.
۶. اطفال بر اساس معلومات درج شده در دوسیه ها، گروپ بندی میشوند.

فصل سوم

طرز محاکمه اطفال

اهداف آموزشی:

در پایان این جلسه اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ اجراءات مربوط به محاکمه اطفال را تشریح کنند؛
- ☞ محکمه اختصاصی اطفال را معرفی نموده و صلاحیت حوزوی و موضوعی این محاکم را توضیح دهند؛
- ☞ قضایای قابل رسیدگی توسط محکمه اختصاصی اطفال را لست کنند؛
- ☞ رسیدگی به قضایای اطفال را در مرحله استیناف و فرجام بیان کنند؛
- ☞ و چگونگی اعمال مجازات را بر اطفال محکوم توضیح دهند.

عناوین:

- اجراءات مربوط به محاکمه؛
- استیناف و فرجام خواهی؛
- مجازات اطفال.

فصل سوم

طرز محاکمه اطفال

در این فصل ضمن سه مبحث نخست از اجراءات مربوط به محاکمه « مبحث اول»، سپس از استیناف طلبی و فرجام خواهی « مبحث دوم» و اخیراً از مجازات اطفال « مبحث سوم» بحث می کنیم.

مبحث اول: اجراءات مربوط به محاکمه اطفال

گفتار اول: معرفی محکمه اختصاصی اطفال

رسیدگی به جرایم اطفال توسط محکمه اختصاصی اطفال صورت می گیرد.

در ولایات که تا کنون این محاکم تشکیل نگردیده است. موضوعات مطروحه را دیوان جزای عمومی محکمه شهری مستقر در همان ولایت رسیدگی می نماید.

مطابق ماده ۶۷ قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه محکمه اطفال متشکل از یک رئیس و سه عضو قضائی می باشد.

قضات محکمه اختصاصی اطفال، باید از استعداد، آموزش مسلکی و تجربه خاص در مسائل مربوط به اطفال برخوردار باشند.

ماده بیست و ششم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین صراحت دارد: « (۱) رسیدگی به جرایم اطفال توسط محکمه اختصاصی اطفال صورت می گیرد. بدین منظور در مراکز ولایات محاکم ابتدائیه اختصاصی اطفال ایجاد می گردد.

(۲) محکمه ابتدائیه اختصاصی اطفال متشکل از رئیس، اعضاء و کارمندان اداری می باشد.

(۳) قضات محکمه اختصاصی اطفال بر علاوه داشتن شرایط مندرج در قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم دارای استعداد، آموزش مسلکی و تجربه خاص در مسائل مربوط به محاکمه اطفال نیز می باشند».

فعالیت شماره (۸)

سوال مباحثوی:

منظور از تجربه در موضوعات اطفال چه است؟

پاسخ احتمالی: منظور از تجربه در موضوعات اطفال این است که:

- شخص قاضی قبلاً وکیل مدافع اطفال بوده باشد؛
- یا خازنوال اختصاصی اطفال بوده باشد؛
- و یا روانشناس اطفال بوده باشد.

گفتار دوم: صلاحیت حوزوی و موضوعی محاکم اختصاصی اطفال

مطلب اول: صلاحیت حوزوی

در هر ولایتی که جرایم اطفال واقع شود محکمه ابتدائیه اطفال همان ولایت، ذیصلاح برای رسیدگی به قضیه شناخته می‌شود. در صورتی که محکمه اطفال ایجاد نشده باشد در آن صورت دیوان جزای عمومی، در روشنایی احکام قانون رسیدگی به تخلفات اطفال قضیه مطروحه را حل و فصل می‌نماید.

هرگاه محل وقوع جرم مشخص نباشد و یا متعذر باشد موضوع توسط محاکم ذیل صورت می‌گیرد:

۱. محکمه محل اقامت والدین طفل، و اگر والدین طفل فوت کرده باشد و سرپرست هم نداشته باشد در آن صورت محل اقامت خود طفل، که معمولاً یکی از پرورشگاه‌های دولتی می‌باشد.

۲. محکمه محل دستگیری طفل و یا محل توقیف وی، ذیصلاح برای رسیدگی قضیه می‌باشد.

مثلاً طفل در یک مکان مرتکب جرم شده که نسبت معاذیر امنیتی رفتن به آن‌جا ممکن نیست. بناءً در محل دیگری دستگیر می‌شود پس محکمه همان محل که دستگیری در آن صورت گرفته است، ذیصلاح برای رسیدگی قضیه می‌باشد.

یا این‌که طفل در یک محل مرتکب جرم شده اما نسبت عدم موجودیت مکان مشخص برای توقیف‌اش وجود ندارد بناءً به ولایت هم‌جوار روان کرده می‌شود بخاطر توقیف کردن پس محکمه محل توقیف ذیصلاح برای رسیدگی قضیه می‌باشد.

ماده بیست و هشتم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین مشعر است:

«(۱) محکمه اختصاصی اطفال جرایم مرتکبه توسط اطفال حوزه ولایت مربوط را رسیدگی می‌نماید.

(۲) هرگاه محل ارتکاب جرم مشخص نباشد، موضوع توسط محکمه‌ای که طفل در آن حوزه اقامت دارد، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در صورت عدم امکان تثبیت محل اقامت طفل، موضوع توسط محکمه‌ای که طفل در آن حوزه دستگیر یا توقیف شده است، بررسی می‌گردد».

مطلب دوم: صلاحیت موضوعی

طوری‌که از نام آن هویدا است، منظور از صلاحیت موضوعی همانا موضوع جرم است یعنی هرگاه تخلف و هنجار شکنی و قانون شکنی از طرف اشخاصی صورت بگیرد که سن ۱۸ را تکمیل نکرده باشد در این صورت موضوع، مربوط به محکمه رسیدگی به تخلفات اطفال است که باید محکمه اختصاصی اطفال به آن رسیدگی کند و در صورت نبود محکمه اطفال، دیوان جزای عمومی به آن رسیدگی خواهد نمود^۱.

^۱ - قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۴۶)، سال ۱۳۹۳.

مبحث دوم: قضایای قابل رسیدگی

ماده بیست و نهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین صراحت دارد: « محکمه اختصاصی اطفال، قضایای ذیل را که مطابق احکام این قانون در پیشگاه آن اقامه می‌شود، رسیدگی می‌نماید:

۱- جرایم اطفال.

۲- رفتار غیر عادی فتار غیرعادی اطفال که توسط والدین والدین یا یا شخصیکه شخصی که بر نفس نفس آن‌ها حق ولایت حق ولایت دارند دارند و یا با اتخاذ اتخاذ تدابیر مروج تربیوی تربیوی، قابل قابل اصلاح اصلاح نباشند نباشند.

۳- قضایای مربوط به اطفالیکه در معرض خطر قرار داشته و نیاز مند مواظبت و حمایت باشند».

بر مبنای حکم این ماده، محکمه اختصاصی اطفال سه موضوع را رسیدگی می‌نماید: جرایم اطفال، طرز برخورد با اطفال دارای روش و سلوک غیرعادی و کمک با اطفالیکه اطفال که در معرض خطر قرار داشته و نیازمند مراقبت و حفاظت باشند.

فعالیت شماره (۹)

تفکر انتقادی:

تقسیم بندی سه گانه قضایای قابل رسیدگی در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال قابل ملاحظه به نظر می‌رسد. زیرا امکان پذیراست که موضوع طرز برخورد با اطفال دارای روش و سلوک غیر عادی با موضوع کمک به اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت یکجا و در یک حکم قرار گیرد، چون طفلیکه رفتار غیر عادی دارد به حالت ارتکاب جرم نرسیده و در حقیقت نیازمند حمایت، مراقبت و کمک می‌باشد. علاوه براین احکام این دو حالت اصلا باهم کدام تفاوتی ندارند.

جرایم اطفال: طبق حکم ماده ۳ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، « این قانون بر طفلیکه متخلف از قانون باشد قابل تطبیق است». در صورتی که اتهام وارده از رهگذر ارتکاب جرم جنحه و یا جنایت باشد، خارنوال علیه طفل اقامه دعوی می‌نماید.

رفتار غیرعادی: عبارت از رفتار طفلی است که با اتخاذ هرگونه تدابیر اصلاحی، اصلاح پذیر نباشد. در چنین حالت براساس شکایت والدین یا شخص ثالث، خارنوال دعوی را تحریک نموده و محکمه به قضیه رسیدگی می نماید.

گفتار اول: طرز برخورد با اطفال که دارای دارای روش و سلوک غیرعادی هستند.

الف: چگونگی مواصالت قضیه

قانون گذار در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، مفهوم رفتار غیرعادی اطفال را تعریف نکرده و موضوع را به اجتهاد خارنوالی اختصاصی اطفال، ممثل قانونی یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی تفویض نموده، که میتوانند حقایق موضوع را به محکمه مربوطه ارائه نمایند، فقره دوم ماده ۴۷ این قانون در زمینه چنین صراحت دارد: « محکمه اختصاصی اطفال معلومات لازم به شمول معلومات مربوط مندرج ماده (۱۷) این قانون را در مورد شخصیت طفل، نوعیت روش، خطر و غیره مدارک و دلایل را جمع آوری مینماید».

ب: تصمیم محکمه

محکمه بعد از بررسی حالت طفل یکی از تصامیم ذیل را اتخاذ می نماید:

- ۱- صدور هدایت مبنی بر تسلیم نمودن وی به یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی.
 - ۲- صدور هدایت مبنی بر شامل نمودن وی در یکی از مؤسسات تربیوی یا صحی دولتی.
- همچنان طبق هدایت ماده (۴۸) هیئت قضائی محکمه اختصاصی اطفال تصامیم مندرج فقره ۲ ماده (۴۷) این قانون را با حضورداشت طفل یا ممثل قانونی وی با نظرداشت نظرخارنوال در جلسه سری اتخاذ می نماید. هرگاه محکمه تصمیم مبنی برتسلیم نمودن طفل را به یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی اتخاذ نماید، دراین صورت شرح جزئیات وشرایط تعلیم، تربیه مسلکی، استخدام، مشغولیت در ساحات بیکاری و تداوی صحی طفل نیز در تصمیم مدنظر گرفته می شود.
- بر اساس صراحت ماده ۵۰، محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد به منظور حفظ منافع طفل مبنی بر تربیه و بازگشت مجدد آن به جامعه حکم خویش را عند الاقتضاء تعدیل نماید.

گفتار دوم: طرز رسیدگی به طفل نیازمند مراقبت و حفاظت وچگونگی کمک با وی

برعکس حالت سابقه قانون گذار حالاتی را بیان می کند که در آن طفل به کمک، مراقبت و حفاظت ضرورت دارد؛ طبق صراحت ماده (۵۲) : « طفل نیازمند به مراقبت و حفاظت عبارت از شخصی است که:

- ۱- سلامت جسمی، روحی، عاطفی و حفاظتی وی در معرض خطر قرار داشته باشد.
- ۲- منافع و شرایط تعلیمی وی مورد مخاطره قرار گرفته باشد.
- ۳- مورد تجاوز کلان سال و یا شخصی که بالای وی تسلط دارد، قرار گرفته باشد.

۴- والدین وی را رها نموده باشد.

این مفهوم با اصول ماده (۱۹) کنوانسیون حقوق طفل مطابقت دارد؛ ماده مذکور تصریح می‌نماید که: «حکومت‌ها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی، و آموزشی، طفل را در مقابل هر شکل از رفتار سهل‌انگارانه با آن‌ها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت می‌کند».

الف: چگونگی مواصلت قضیه

طبق صراحت فقره (۲) ماده (۵۲) قانون رسیدگی به تخلفات اطفال: محکمه اختصاصی اطفال در صورت درخواست طفل، ممثل قانونی، خانونوال یا سایر مراجع با صلاحیت میتواند تصامیم لازم را اتخاذ نماید.

فعالیت شماره (۱۰)

سوال مباحثوی:

منظور از سایر مراجع ذیصلاح در فقره (۲) ماده ۵۸ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، کدام مراجع است؟

پاسخ احتمالی:

قانون (سایر مراجع باصلاحیت) را مشخص نه نموده لیکن از سیاق کلام فهمیده می‌شود که منظور از (سایر مراجع باصلاحیت) مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی است.

طبق احکام ماده (۵۳) این قانون، محکمه اختصاصی اطفال اظهارات طفل را استماع می‌نماید، مگر این‌که جلسه قضائی موجب ضرر به وضعیت روحی یا جسمی طفل از لحاظ سن، صحت یا توانائی عقلانی وی گردد.

محکمه اختصاصی اطفال اظهارات ممثل قانونی طفل را استماع و آن را مورد غور و مذاقه قرار می‌دهد. ممثل قانونی می‌تواند از محکمه مربوط تقاضا نماید تا از نظریات متخصصین اشخاص متخصص و اهل خبره راجع به طفل که مورد تجاوز جنسی، فزیکمی یا روحی قرار گرفته است، استفاده نماید. محکمه اختصاصی اطفال می‌تواند متخصصین افراد متخصص و اهل خبره را جهت ارائه معلومات در مورد وضعیت طفل به محکمه احضار نمایند.

ب: قرار محکمه

بر مبنای صراحت ماده (۵۵) محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد بعد از غور و بررسی همه جانبه دوسیه، یکی از تدابیر کمکی و تربیوی ذیل را اتخاذ نماید:

- ۱- طفل در محیط فعلی اش باقی بماند. در این حالت محکمه مکلف است سرپرست قانونی برای وی تعیین نماید تا در صورت حکم محکمه طفل را به مؤسسات تعلیمی باز بفرستد.
 - ۲- طفل در محیط فعلی اش به شرطی باقی بماند که به طور دوامدار به مؤسسات صحی، تعلیمی یا تربیوی مسلکی مراجعه نماید.
 - ۳- طفل از محیط فعلی اش جدا و تحت مراقبت سرپرست قانونی قرار گیرد، تا در صورت حکم محکمه طفل را به مؤسسات صحی، تعلیمی یا تربیوی مسلکی بفرستد.
- مؤسسات صحی تعلیمی و تربیوی مسلکی و سرپرست قانونی طفل مکلف اند از رفتار و سلوک طفل مراقبت نموده و در مورد اصلاح پذیری وی گزارش کتبی را مطابق هدایت به محکمه ارائه نماید.
- طبق هدایت ماده (۵۶) این قانون، در دو صورت قرارات محکمه قابلیت تجدید نظر را دارد:
- ۱- محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد تدابیر اتخاذ شده را با در نظر داشت روش، سلوک و حالات اصلاح پذیری طفل عنداللزوم مورد تجدید نظر قرار دهد.
 - ۲- محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد تدابیر اتخاذ شده را حسب تقاضای والدین، سرپرست قانونی مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی در هر شش ماه تجدید نظر نماید.

گفتار سوم: مراحل رسیدگی

به قضایای مربوط به اطفال در سه مرحله رسیدگی صورت می گیرد^۱.

- ۱- مرحله ابتدائیه ۲- استیناف ۳- و فرجام.
- مرحله ابتدائیه و استینافی در کابل و ولایات درجه اول توسط خود محاکم اختصاصی اطفال بررسی می شود چه جرایم با هم مرتبط باشند و یا نباشند. اما در ولایات درجه دوم و سوم که محاکم اختصاصی اطفال وجود ندارد، به قضایای مطروحه توسط دیوان جزای عمومی رسیدگی صورت می گیرد چه جرایم با هم مرتبط باشد و یا خیر.
- اما در مرحله تمیز رسیدگی به قضایای اطفال توسط دیوانی صورت می گیرد که موضوع جرم به آن ارتباط داشته باشد. مثلاً اگر موضوع جرم قتل باشد توسط دیوان جزای عمومی ستره محکمه و اگر موضوع جرم مواد مخدر باشد توسط دیوان امنیت عامه و اگر سرقت مسلحانه باشد توسط دیوان جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی صورت می گیرد و این در صورت است که طفل یک جرم را مرتکب شده باشد.
- ولی اگر یک طفل جرایم متعدد را مرتکب شده باشد در این صورت صلاحیت رسیدگی آن از صلاحیت دیوانی می باشد که شدیدترین جرم را بررسی نماید. مثلاً اگر طفل مرتکب جرایم چون قتل، سرقت، و مواد مخدر شده

^۱ . قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه ، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۴۶) ، سال ۱۳۹۳ .

باشد در این صورت چون قتل از همه شدید تر است بناءً صلاحیت رسیدگی تمام جرایم را دیوان جزای عمومی به عهده دارد.

ماده بیست و هفتم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین صراحت دارد: « به منظور تأمین بهتر عدالت، قضایای مربوط به اطفال متخلف از قانون، در سه مرحله (ابتدائیه، استیناف و فرجام) مورد رسیدگی قرار می‌گیرد». نوت: مرحله فرجامی تا وقتی در دیوان های مختلف رسیدگی می‌شود که دیوان اختصاصی اطفال در سطح ستره محکمه ایجاد نشده باشد و هر زمانی که دیوان مربوطه ایجاد شد به دیوان مربوطه اشر موصلت می‌کند

گفتار چهارم: میعاد صدور حکم

زمانی که دوسیه توسط خارنوال تحقیق و تعقیب تکمیل گردید، به محکمه موصلت می‌نماید. رئیس محکمه، قاضی مدقق را تعیین می‌کند تا طی مدت سه روز به تدقیق دوسیه پردازد. اگر دوسیه خلاء و نواقص داشت به استناد به ماده ۳۰ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال به خارنوالی مسترد می‌گردد.

ماده سی‌ام قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین صراحت دارد: «(۱) محکمه اختصاصی اطفال دوسیه را از تاریخ موصلت آن در مدت سه روز مطالعه می‌نماید. در صورتی که نواقص در دوسیه ملاحظه گردد، آن را غرض تکمیل تحقیقات و رفع نواقص به خارنوالی اختصاصی اطفال مسترد می‌نماید. خارنوال مکلف است بلافاصله از موضوع به ممثل قانونی متهم اطلاع دهد.

(۲) خارنوال مکلف است طی مدت یک هفته نواقص را رفع و دوسیه را مجدداً به محکمه مربوط احاله نماید.
(۳) محکمه اختصاصی اطفال مکلف است بعد از موصلت مجدد دوسیه در مدت ده روز حکم خود را در زمینه صادر نماید».

دوسیه‌های که به محکمه مربوطه موصلت می‌نماید در واقع به دونوع قابل تقسیم است:

اول: دوسیه بدون خلاء و نواقص:

در صورتی که دوسیه هیچ گونه خلاء و نواقص نداشته باشد در مدت ۱۰ روز جمع ۳ روز تدقیق، در ۱۳ روز فیصله می‌گردد.

دوم: دوسیه که دارای خلاء و نواقص است:

اگر دوسیه نسبتی خلاء و نواقص داشته باشد محکمه قرار مبنی بر رفع خلاء و نواقص را صادر می‌کند. در این صورت خارنوال باید بلافاصله موضوع را به ممثل قانونی طفل اطلاع دهد. مثلاً نظر طب عدلی در دوسیه به شکل مبهم ذکر شده پس خارنوال باید ممثل قانونی طفل را مطلع نموده تا در حین اجراءات اشتراک نمایند.
خارنوال باید طی یک هفته نواقص دوسیه را رفع نماید. هرگاه خلاء دوسیه رفع گردید، در ظرف ۱۰ روز باید فیصله شود. که مجموعاً ۲۰ روز می‌شود.

تفاوت میان دوسیه‌های دارای خلاء و نواقص است و دوسیه‌های بدون خلاء و نواقص است

دوسیه‌های که خلاء و نواقص ندارد، به نوبت گذاشته می‌شود. اما دوسیه‌های که خلاء و نواقص دارد، به نوبت گذاشته نمی‌شود. چون یک هفته نزد خازنوال بوده است. بلکه محکمه به طور استثنایی به این دوسیه حق اولویت می‌دهد و مورد رسیدگی قرار می‌گیرد هرچند نوبت آن نباشد.

گفتار پنجم: محرمت رسیدگی

قانون، رسیدگی محرمانه را برای اطفال تأمین نموده است.

به صورت عموم، اصل سری بودن محاکمه اطفال است. اما ابلاغ حکم در همه احوال علنی می‌باشد.

نشر اسناد جریان محاکمه اطفال جواز ندارد. چون نشر حکم یکی از جزای‌های تکمیلی است که در حصه اطفال قابل تطبیق نیست.

افشای معلومات در مورد شخصیت و هویت طفل جواز ندارد. زیرا منع افشای هویت طفل، یکی از اصول کنوانسیون حقوق طفل است.

محرر محکمه مکلفیت دارد، جریان محاکمه را ثبت و نگهداری نماید.

ماده ۴۱ و دوم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین صراحت دارد: «(۱) رسیدگی به تخلفات قانونی اطفال طور سری و ابلاغ حکم در هر حالت به صورت علنی صورت می‌گیرد.

(۲) نشر اسناد جریان جلسات محاکمه اطفال به شمول شهادت شهود و نظر اهل خبره در رسانه‌های جمعی جواز ندارد.

(۳) افشای معلومات در مورد شخصیت طفل و یا اطلاعاتی که منجر به کشف هویت طفل گردد، تحت هیچ عنوان جواز ندارد.

(۴) گزارش جریان جلسه محاکمه ثبت و نگهداری می‌شود».

فعالیت شماره (۱۱)

سوال مباحثوی:

هویت و شخصیت باهم چه تفاوت دارند؟

پاسخ احتمالی:

تعریف هویت: عبارت از تشخیص و تمیزی است که فرد، بین خود و دیگران، قایل می‌شود.

اما شخصیت: عبارت از مجموعه رفتار، گفتار، کردار، روش و سلوک یک فرد است که منحصر به خودش می‌باشد.

هویت دارای سه بخش است:

۱. هویت شخصی: عبارت از منشأ بدنی انسان است. مثل پدر، مادر، نسل، اقلیم، خاک، تبار، اجداد و غیره.

۲. هویت صنفی: که بنام هویت فکری و فرهنگی نیز یاد می‌شود، عبارت از این است که فرد در کدام بستر فرهنگی، اعتقادی، ایدیولوژیکی و نظام آموزشی پرورش یافته است.

۳. هویت باطنی: عبارت از مجموعه روابط شخص با معنویاتش است. البته در هویت باطنی از کلمه روح استفاده صورت می‌گیرد. زیرا با باطن فرد ارتباط دارد. این نوع هویت، بر اساس دین و دیانت خانواده، در فرد شکل می‌گیرد.

هرکدام از انواع هویت باهم ارتباط زنجیره‌ای دارند و بالای شخص تاثیرگذار است^۱.

در نهایت می‌توان گفت، فرق بین شخصیت و هویت این است که:

الف - شخصیت، منحصر به فرد است درحالی‌که حالی که هویت، از تأثیرات فرهنگی، اعتقادی، خانوادگی و اجتماعی شکل می‌گیرد.

ب - منظور از شخصیت در قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، عبارت از مجموعه رفتار، گفتار، کردار، روش و سلوک یک فرد است.

د - منظور از هویت در قانون مذکور، هویت صنفی طفل است که افشای آن منع است.

گفتار هفتم: ابلاغ فیصله

فیصله محکمه بعد از استماع اظهارات و دفاعیه در حضور طفل ابلاغ می‌گردد. هرگاه محکمه اتهامات وارده را علیه طفل که تحت توقیف قرار دارد، وارد نداند به رهائی وی حکم صادر می‌نماید. اما ادعای حق‌العبدی متضرر محفوظ است.

مثلاً یک جرم واقع شده است ولی شارنوال نتوانسته که دلایل الزام کافی را جمع آوری کند در این صورت متهم رها می‌شود اما دعوی حق‌العبدی محفوظ است و متضرر می‌تواند که در محکمه مدنی اقامه دعوی نماید.

در صورتی که جریان محاکمه طفل را روحاً متضرر سازد، مثلاً طفل مرتکب جرم قتل گردیده و ممکن است از جریان جلسه روحاً متضرر گردد. قاضی وی پس از اشتراک و حضور در یک قسمت جلسه، از جلسه خارج کرده می‌تواند. اما بعداً خلص جریان محاکمه را برای وی بازگو می‌شود، اگر قناعت کرد خوب در غیر آن استیناف خواه شده می‌تواند.

^۱. سالاری فر، محمد رضا، روانشناسی در خانواده، ص ۲۲-۲۴، سال ۱۳۸۷.

ماده سی و سوم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال چنین صراحت دارد: «(۱) قضات محکمه اختصاصی اطفال بعد از استماع اظهارات و استدلال طفل، شاهدان، ممثل قانونی، شارنوال، وکیل مدافع، کارمندان مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی و نظریات اهل خبره، فیصله خویش را در حضور طفل ابلاغ می‌نماید. (۲) هرگاه نزد محکمه ثابت گردد که اتهامات وارده علیه طفل تحت توقیف وارد نیست، محکمه به رهائی وی حکم می‌نماید. این حکم مانع ادعای حق العبدی مجنی علیه و متضرر نمی‌گردد. شارنوال می‌تواند علیه این حکم استیناف خواهی نماید.

(۳) هرگاه موضوعات مورد بحث در جریان محاکمه، طفل را روحاً متضرر سازد، محکمه در غیاب طفل جلسه محاکمه را ادامه داده می‌تواند، مشروط بر اینکه خلص جریان محاکمه را بعداً برای وی توضیح نماید».

مبحث دوم: استیناف و فرجام خواهی

نظر به صراحت ماده ۴۲ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، طفل محکوم علیه، ممثل قانونی وی یا خارنوال میتواند علیه فیصله محکمه ابتدائیه استیناف طلبی نماید.

همچنان مطابق ماده ۸۵ قانون حمایت از حقوق طفل، هرگاه اتهام منسوب به طفل ثابت گردد، مطابق احکام قانون، حق استیناف خواهی، فرجام طلبی و تجدید نظر به طفل داده می شود.

بناءً مطابق فقرة ۱ ماده ۴۲ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، طفل، ممثل قانونی و خارنوال، صلاحیت استیناف طلبی بر فیصله محکمه ابتدائیه را دارند.

فعالیت شماره (۱۲)

سوال مباحثوی:

طفل چگونه استیناف طلب می شود؟

پاسخ احتمالی:

از لحاظ حقیقت و ماهیت زمانی که طفل بعد از ابلاغ حکم به وی شست خود را مبنی بر عدم قناعت در پارچه ابلاغ می گذارد همین خودش در حکم استیناف طلبی است. اما این اعتراض و نارضایتی در موضوعات شکلی، از صلاحیت ممثل قانونی یا وکیل مدافع وی می باشد.

مرجع ذیصلاح بررسی قضیه در مرحله استینافی خود محکمه استیناف است. درخواست استیناف طلبی، به مراجع ذیل ارایه می گردد:

۱- دفتر تحریرات محکمه صادر کننده حکم (محکمه ابتدائیه)؛ و یا

- ریاست تحریرات محکمه استیناف .

میعاد استیناف خواهی:

درخواست استیناف خواهی در مدت ۲۱ روز به مراجع مربوطه تقدیم می شود. این مدت بادر نظر داشت حالات ذیل محاسبه می گردد:

- محکمه نص حکم را همراه با دلایل آن در حضور طفل یا وکیل مدافع آن ابلاغ نماید. در این صورت از همان لحظه ابلاغ حکم، حق استیناف خواهی شروع می شود.
- هرگاه محکمه نص حکم را بدون قرائت دلایل اصدار حکم، ابلاغ نماید. در این صورت فیصله مجدداً با دلایل اصدار حکم، ابلاغ می گردد. بعضی اوقات ممکن است که محکمه صرف نص حکم را ابلاغ نماید

نسبت کمبودی وقت و فردا یا پس فردا دلایل حکم را نیز ابلاغ کند که در این صورت استیناف خواهی از زمان شروع می‌شود که دلایل اصدار حکم در آن ابلاغ شود زیرا تا زمانی که دلایل اصدار حکم موجود نباشد، شخص محکوم نمی‌تواند مبنی بر قناعت یا عدم قناعت بر آن تصمیم بگیرد.

هرگاه محکمه در جرم واحد، مرتکبین متعدد را محاکمه نماید، به هر یک ابلاغیه جداگانه داده می‌شود. در صورتی که فیصله در مورد یکی از آن‌ها غیابی صادر شود، استیناف خواهی از تاریخ ابلاغ آخرین ابلاغیه آغاز می‌شود. مثلاً سه نفر در جرم سرقت متهم هستند دو نفر از این‌ها در توقیف بسر می‌برند و یک نفر دیگری آن‌ها بضمانت رها است محکمه در راستای هر سه نفر حکم می‌کند چون جرم واحد است بناءً طفل که بضمانت رها است در روز جلسه حاضر نمی‌شود پس هر وقتی که این طفل حاضر شد و شست خود را مبنی بر عدم قناعت گذاشت استیناف خواهی آن‌ها شروع می‌شود و اگر شست خود را مبنی بر قناعت گذاشت استیناف خواهی همان دو نفر شروع می‌شود نه شست گذارنده.

گاهی اتفاق می‌افتد که پارچه ابلاغیه برای عده‌ای از محکومین تسلیم می‌گردد و تسلیمی ابلاغیه برای سایرین، نظر بدلائل و معاذیر به زمان دیگری موکول می‌شود. در این صورت میعاد استیناف خواهی زمان تسلیم آخرین ابلاغیه است.

صلاحیت استیناف طلبی از آن طفل، ممثل قانونی و خارنوال است. درحالی که استیناف خواهی از طرف خارنوال صورت گیرد، باید موضوع به اطلاع جانب مقابل که والدین طفل است، رسانیده شود. همچنان طفل حق انصراف از استیناف خواهی را بدون موافقت ممثل قانونی خویش ندارد. زیرا انصراف به ضرر طفل است.

در صورتی که استیناف خواهی از طرف طفل علیه فیصله محکمه ابتدائیه صورت گیرد محکمه استیناف به هیچ وجه نمی‌تواند که به جزای شدیدتر از فیصله محکمه ابتدائیه حکم نماید.

در صورت عدم قناعت، طفل، ممثل قانونی وی و یا خارنوال، می‌تواند در مدت سی روز از تاریخ صدور علیه فیصله محکمه استیناف به ستره محکمه فرجام خواهی نماید. درخواست فرجام خواهی به دفتر تحریرات محکمه استیناف صادر کننده حکم یا به دفتر تحریرات دیوان مربوط ستره محکمه تسلیم داده می‌شود.

مادهٔ چهل و دوم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال مشعر است: «(۱) طفل محکوم علیه، ممثل قانونی وی یا خارنوال می‌تواند علیه فیصله محکمه ابتدائیه، استیناف طلبی نماید.

(۲) مرجع با صلاحیت استیناف خواهی، ریاست محکمه استیناف می‌باشد. درخواست استیناف خواهی، به دفتر تحریرات محکمه صادر کننده حکم یا به دفتر تحریرات محکمه استیناف مربوط در مدت بیست و یک روز تسلیم داده می‌شود. این مدت با در نظر داشت حالات ذیل محاسبه می‌گردد:

۱. در صورتی که محکمه متن فیصله و دلایل آن را در ختم جلسه محاکمه و در حضور طفل متهم و یا وکیل مدافع وی قرائت نموده باشد.
۲. در صورتیکه محکمه دلائل اصدار حکم را با حکم یکجا قرائت نه نموده و به طفل متهم یا وکیل مدافع وی مجددًا بلاغ نماید، در این حالت آغاز میعاد از تاریخ ابلاغیه دوم محاسبه می گردد.
۳. در صورتی که در عین فیصله بیشتر از يك طفل محاکمه گردیده باشد، آغاز میعاد از تاریخ آخرین ابلاغیه محاسبه می گردد.
- (۳) در صورت عدم قناعت، طفل، ممثل قانونی وی و یا خانوال می تواند در مدت بیست يك روز از تاریخ صدور، علیه فیصله محکمه اختصاصی اطفال استیناف طلبی نموده و از موضوع جانب مقابل را مطلع سازد.
- (۴) طفل نمی تواند بدون موافقت ممثل قانونی از حق استیناف خواهی انصراف ورزد.
- (۵) در صورت که طفل یا ممثل قانونی وی علیه فیصله صادره محکمه، استیناف خواهی کند جزای مندرج فیصله محکمه فوقانی شدیدتر از فیصله محکمه ابتدائیه بوده نمی تواند.
- (۶) در صورت عدم قناعت، طفل، ممثل قانونی وی و یا خانوال، می تواند در مدت سی روز از تاریخ صدور علیه فیصله محکمه استیناف به ستره محکمه فرجام خواهی نماید. درخواست فرجام خواهی به دفتر تحریرات محکمه استیناف صادر کننده حکم یا به دفتر تحریرات دیوان مربوط ستره محکمه تسلیم داده می شود».

مبحث سوم: مجازات اطفال

گفتار اول: ارتکاب جنایت توسط طفل

مسئولیت جزائی زمانی به طفل راجع می‌شود که سن ۱۲ سالگی را تکمیل نموده باشد. حد اقل سن مسئولیت پذیری در ارتکاب جرایم تکمیل ۱۲ سال هجری شمسی است. اگر طفل مرتکب جرم جنایت می‌شود قانون‌گذار آن را در مواد «۹۷ و ۹۸ کود جزاء» در دو بخش، تقسیم بندی نموده است.

بخش نخست، متمرکز است به آن عده اطفال که سن ۱۲ را تکمیل و ۱۶ را تکمیل نکرده باشد که در اینصورت در این صورت مجازات آن‌ها ربع حد اکثر مجازات بزرگسالان خواهد بود.

بخش دوم، شامل آن عده اطفال می‌شود که سن ۱۶ سالگی را تکمیل نموده باشد اما ۱۸ سالگی را تکمیل نکرده باشند که در این صورت مجازات آن‌ها ثلث حد اکثر مجازات بزرگ سالان خواهد بود.

ماده ۹۷ کود جزاء در زمینه چنین مشعر است: «طفلی که ۱۲ سال را تکمیل و ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ربع حد اکثر مجازات که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده، محکوم نمی‌شود».

همچنان ماده ۹۸ کود جزاء در این مورد صراحت دارد: «طفلی که ۱۶ سال را تکمیل اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ثلث حد اکثر مجازاتی که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده است، محکوم نمی‌شود».

مثال توضیحی: مثلاً اگر یک شخص مرتکب ضرب منجر به مرگ شود به حبس طویل محکوم می‌گردد. چنانچه ماده ۵۵۲ کود جزاء تصریح نموده است: «مرتکب جرم ضرب یا جرح منجر به مرگ به حبس طویل، محکوم می‌گردد». اگر عین همین، فعل جرمی را طفل مرتکب شود در این صورت حد اکثر حبس طویل را شانزده سال است با در نظر داشت سنین اطفال به ثلث و یا ربع تقسیم می‌نمائیم چون شانزده سال حد اکثر است و همین حد اکثر برای ما معیار است که در نتیجه، ثلث شانزده سال پنج سال و چهار ماه می‌شود و ربع شانزده سال چهار سال می‌شود.

در تمام موارد که جرم جنایت باشد می‌توانیم با پیروی از این فورمول، قضیه را حل و فصل نمائیم.

گفتار دوم: ارتکاب جنحه و یا قباحت توسط طفل

احکام و تدابیر قابل اتخاذ توسط محکمه در صورت ارتکاب جنحه یا قباحت توسط طفل در مواد ۱۰۹ و ۱۱۲ کود جزاء، چنین تصریح گردیده است:

ماده ۱۰۹- کود جزاء: «هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد، محکمه یکی از تدابیر آتی را در مورد وی اتخاذ می‌نماید:

۱- تسلیمی به والدین.

۲- حجز در منزل.

۳- تعویق محاکمه.

۴- تعلیق حجز.

۵- فرستادن به مؤسسه‌های اختصاصی خدمات اجتماعی.

۶- انجام خدمات اجتماعی یا دوره مراقبت.

۷- حجز در بخش باز مرکز اصلاح و تربیت اطفال.

۷- حجز در بخش بسته مرکز اصلاح و تربیت اطفال.

ماده ۱۱۲ کود جزاء: « (۱) هرگاه طفل مرتکب قباحت گردد، محکمه می‌تواند به عوض حجز برای وی اخطاریه صادر و یا او را به والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی تسلیم نماید. در این حالت والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی طفل مکلف است حسن تربیت طفل را کتباً تعهد نماید.

(۲) هرگاه والدین نظر به دلایلی حسن تربیت طفل را به عهده نگیرد، محکمه طفل را به یکی از مؤسسه‌های که به این منظور ایجادگردیده، تسلیم می‌نماید».

گفتار سوم: مجازات شروع به جرم در حصه اطفال

الف: مجازات شروع به جرم جنایت توسط طفل

مجازات شروع به جرم جنایت توسط طفل را در یک مثال توضیحی و عملی چنین بیان کرد:

به طور مثال اگر جرم قتل را در نظر بگیریم چنانچه در ماده ۵۴۷ کود جزاء آمده است که هرگاه شخصی، شخصی دیگری را به قتل برساند مرتکب اش به اعدام و یا حبس دوام درجه ۱ محکوم می‌گردد.

در هم چو موارد برای تعیین مجازات اطفال نخست باید مجازات بزرگسالان را دریافت نمائیم تا برویت آن بتوانیم که مجازات طفل را تعیین نمائیم. چون قانون تذکر نموده که معیار برای تعیین حجز اطفال این است که نخست باید مجازات بزرگسال را تعیین کنیم و بعداً آن را به ثلث و یا ربع تقسیم نمائیم.

حالا اگر بزرگسال به هم چو جرم شروع نموده باشد بر اساس فقره ۱ ماده ۵۲ کود جزاء در صورتی که اعدام باشد به حبس دوام درجه ۲ تنزیل می‌نماید؛ و اگر حبس دوام درجه ۱ را برای جرم تام وی در نظر بگیریم در

صورت شروع به آن به حبس طویل تنزیل پیدا می‌کند. چون در حصه اطفال اعدام وجود ندارد، حبس دوام درجه ۱ جایگزین آن می‌گردد.

اگر طفل متخلف به جرم مذکور شروع نماید چون برای جرم تام آن حبس دوام درجه ۱ پیش بینی شده است در صورت شروع، به حبس طویل تنزیل می‌یابد به استناد فقره ۲ ماده ۵۲ کود جزاء که چنین مشعر است « در مواردی که جزای اصل جرم، حبس دوام درجه ۱ باشد، به حبس طویل تنزیل می‌یابد ». حالا حد اکثر حبس طویل را که شانزده سال است بالای اطفال متخلف با در نظر داشت سنین ایشان به ثلث و یا ربع تقسیم می‌نمائیم که ثلث شانزده سال، پنج سال و چهار ماه می‌شود و ربع شانزده سال چهار سال می‌شود.

ب: شروع به جرم جنحه توسط طفل

ماده ۵۳ کود جزاء در زمینه چنین مشعر است: « مجازات شروع کننده به جنحه از یک چهارم حد اقل جزایی که در قانون برای اصل جرم پیش بینی شده است، بیشتر نمی‌باشد، مگر این که در این قانون طور دیگری تصریح شده باشد».

برای این که بتوانیم مجازات طفل شروع کننده به جنحه را به صورت دقیق تعیین نمائیم در نخست باید آن را روی افراد بزرگسال تعیین نموده و سپس حاصل تقسیم آن را بالای اطفال تطبیق نمائیم.

به طور مثال، اگر شخص بزرگسال مرتکب جرم سرقت مندرج ماده ۷۰۰ کود جزاء گردد برای مرتکب اش حبس متوسط پیش بینی شده اگر به آن شروع نماید مطابق ماده ۵۳ کود جزاء به ربع حد اقل محکوم می‌گردد که یک سال و سه ماه می‌شود اما چون که قید (حد اقل) ذکر شده پس دیده می‌شود که یک سال و سه ماه در حبس متوسط داخل است. لذا حد اقل حبس متوسط یک سال است. پس در نتیجه، یک سال همان مدتی است که برای شروع به جرم جنحه توسط بزرگسال تعیین گردید.

حالا اگر طفل به عین عمل سرقت، شروع نماید در این صورت همین یک سال را به ثلث و ربع تقسیم می‌نمائیم که ثلث یکسال می‌شود چهار ماه و ربع یکسال می‌شود سه ماه.

ج: شروع به قباحت توسط طفل

در کود جزای افغانستان شروع به جرم قباحت در حصه اطفال اصلاً جرم پنداشته نمی‌شود. ماده ۵۵ کود جزاء در زمینه شروع به قباحت چنین صراحت دارد: « شروع به قباحت جرم نبوده، مرتکب آن، مجازات نمی‌گردد».

بر مبنای این ماده، زمانی که شروع به جرم قباحت در حصه بزرگسالان جرم نباشد پس در حصه اطفال به طریق اولی جرم نخواهد بود.

گفتار چهارم: تعویق محاکمه و تعلیق حجز

الف: تعویق محاکمه:

تفاوت میان تعویق محاکمه و تعلیق مجازات قرار ذیل است:
تعویق محاکمه، قبل از صدور حکم است که براساس قرار صورت می‌گیرد.
اما تعلیق مجازات، بعد از صدور حکم محکمه است و براساس فیصله صادر صورت می‌گردد.
شرایط تعویق:

- در صورتی که حالت طفل در جریان رسیدگی قضیه غیرعادی به نظر رسد، یا مریض باشد. محاکمه به تعویق افتاده و محکمه طی قرار وی را به مراکز صحت روانی معرفی میکند.
- در صورتی که طفل هیچگونه معارضه روانی نداشته باشد، بلکه برایش یک عذر قانونی پیش آید. باز هم محاکمه وی به تعویق می‌افتد. مانند این که طفل صنف دوازده مکتب است و درحالت فراغت قرار دارد و یا در جریان امتحانات قرار دارد. محکمه می‌تواند در صورت ارتکاب جرم جنایت الی مدت سه سال محاکمه ویرا به تعویق بیاندازد و در جرم جنحه الی مدت یک سال^۱.

ب: تعلیق حجز:

حجز تعلیقی دارای یک سلسله شرایط است که ذیلاً بیان می‌گردد:
اول: این که حجز تعلیقی بعد از صدور حکم محکمه صادر می‌گردد.
دوم: مطابق ماده ۴۲ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، در صورتی که مجازات طفل از ۲ سال بیشتر و از ۳ سال کمتر باشد، حجز تعلیقی صادر می‌گردد.

^۱. فقره ۳ ماده ۴۰، قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، منتشره جریده رسمی شماره (۸۴۶) سال ۱۳۸۴.

نتیجه گیری فصل سوم:

بعد از بررسی اجراءات مربوط به محاکمه و مجازات اطفال در روشنائی قانون رسیدگی به تخلفات اطفال و کود جزاء ضمن فصل سوم این جزوه آموزشی، به نتایج ذیل نائل شدیم:

۱. سیدگی به جرایم اطفال توسط محکمه اختصاصی اطفال صورت می گیرد؛ در ولایاتی که تا کنون این محاکم تشکیل نگردیده است موضوعات مطروحه را دیوان جزای عمومی محکمه شهری مستقر در همان ولایت رسیدگی می نماید.

۲. قضات محکمه اختصاصی اطفال باید بر علاوه داشتن شرایط مندرج در قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم دارای استعداد، آموزش مسلکی و تجربه خاص در مسائل مربوط به محاکمه اطفال نیز باشند؛

۳. محکمه اختصاص بعد از بررسی حالت طفلی که دارای روش و سلوک غیرعادی است یکی از تصامیم ذیل را اتخاذ می نماید:

۴. صدور هدایت مبنی بر تسلیم نمودن وی به یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی.

۵. صدور هدایت مبنی بر شامل نمودن وی در یکی از مؤسسات تربیوی یا صحتی دولتی.

۶. طفل نیازمند به مراقبت و حفاظت عبارت از شخصی است که:

۷. سلامت جسمی، روحی، عاطفی و حفاظتی وی در معرض خطر قرار داشته باشد.

۸. منافع و شرایط تعلیمی وی مورد مخاطره قرار گرفته باشد.

۹. مورد تجاوز کلان سال و یا شخصی که بالای وی تسلط دارد، قرار گرفته باشد.

۱۰. والدین وی را رها نموده باشد.

۱۱. حکومت ها با تکیه بر تمام امکانات قانونی، اداری، اجتماعی، و آموزشی، طفل را در مقابل هر شکل

از رفتار سهل انگارانه با آن ها، سوء استفاده جنسی و تجاوز جسمی یا روانی، حمایت می کند؛

۱۲. محکمه اختصاصی اطفال زمانی از استماع اظهارات طفل منصرف می شود که جلسه قضائی موجب ضرر

به وضعیت روحی یا جسمی طفل از لحاظ سن، صحت یا توانائی عقلانی وی گردد رسیدگی به قضایای مطروحه

اطفال در سه مرحله ابتدائیه، استیناف و فرجام- صورت می گیرد. مرحله ابتدائیه و استینافی در کابل و ولایات

درجه اول توسط خود محاکم اختصاصی اطفال بررسی می شود چه جرایم با هم مرتبط باشند و یا نباشند. اما در

ولایات درجه دوم و سوم که محاکم اختصاصی اطفال وجود ندارد، به قضایای مطروحه توسط دیوان جزای عمومی

رسیدگی صورت می گیرد چه جرایم با هم مرتبط باشد و یا خیر. اما در مرحله تمیز رسیدگی به قضایای اطفال توسط

دیوانی صورت می گیرد که موضوع جرم به آن ارتباط داشته باشد. قانون، رسیدگی محرمانه را برای قضایای اطفال

تأمین و تضمین نموده است. فیصله محکمه بعد از استماع اظهارات و دفاعیه در حضور طفل ابلاغ می گردد.

۱۳. هرگاه اتهام منسوب به طفل ثابت گردد، مطابق احکام قانون، حق استیناف خواهی، فرجام طلبی و

تجدید نظر به طفل داده می شود؛

۱۴. حد اقل سن مسؤولیت پذیری در ارتکاب جرایم تکمیل ۱۲ سال هجری شمسی است.
۱۵. طفلی که ۱۲ سال را تکمیل و ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ربع حد اکثر مجازات که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ تر از ۱۸ سال در قانون تعیین گردیده، محکوم نمی شود؛
۱۶. طفلی که ۱۶ سال را تکمیل اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ثلث حد اکثر مجازاتی که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ تر از ۱۸ سال در قانون تعیین گردیده است، محکوم نمی شود؛
۱۷. هرگاه طفل مرتکب جنحه گردد، محکمه به عوض حجز، یکی از تدابیر پیش بینی شده در ماده ۱۱۰ کود جزاء را در مورد وی اتخاذ می نماید؛
۱۸. هرگاه طفل مرتکب قباحت گردد، محکمه می تواند به عوض حجز برای وی اخطاریه صادر و یا او را به والدین، ممثل قانونی و یا سرپرست قانونی تسلیم نماید؛
۱۹. معیار برای تعیین حجز اطفال این است که نخست باید مجازات بزرگسال را تعیین کنیم و بعداً آن را حسب احوال سنی طفل به ثلث و یا ربع تقسیم نمائیم؛
۲۰. در کود جزای افغانستان شروع به جرم قباحت در حصه اطفال اصلاً جرم پنداشته نمی شود.

فصل چهارم

مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی

اهداف آموزشی:

در پایان این جلسه آموزشی اشتراک کنندگان قادر خواهند بود تا:

- ☞ نقش مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی را در امور رسیدگی به تخلفات اطفال توضیح دهند؛
- ☞ چگونگی ارائه گزارش به شارنوالی یا محکمه مربوطه توسط ادارات مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی تشریح کنند؛
- ☞ برای تجدید نظر در پروگرام‌های اصلاحی و فراهم آوری تسهیلات مثال‌های عملی ارائه نمایند؛
- ☞ انواع حجز را در مراکز اصلاح و تربیت اطفال را بیان کنند.

عناوین:

- وظایف و صلاحیت‌های مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، در قبال اورگانهای ارگان‌های قضائی
- وظایف و صلاحیت‌های مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی در مورد اطفال
- انواع حجز.

فصل چهارم

وظایف مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی

مراکز اصلاح و تربیت اطفال، همچنان مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، در امور رسیدگی به تخلفات اطفال نقش براننده دارند، مراکز و مؤسسات مذکور از خود دو نوع وظایف و صلاحیت ها را اعمال می کنند؛ که اول آن مربوط به اورگان های قضائی می باشد، و دوم آن به اطفال تعلق می گیرد. ذیلا در این فصل ضمن سه مبحث نخست از وظایف مربوط به اورنهای قضائوی « مبحث اول»، سپس وظایف مربوط ب « مبحث دوم» و اخیراً از انواع حجز « مبحث سوم» بحث می کنیم.

مبحث اول: وظایف و صلاحیت های مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی

الف: تسلیمی طفل

هرگاه طفلی که سن ۱۲ سالگی را تکمیل نکرده باشد مرتکب جنایت یا جنحه گردد، ویا طفل نوجوان مرتکب جنحه گردد، در این صورت خارنوال طفل مذکور را به سرپرست قانونی یا اقارب اش تسلیم می نماید، اگر اقارب یا سرپرست قانونی نداشته باشد، در آن صورت طفل به منظور مراقبت به مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا به دیگر مؤسسات تعلیمی و تربیوی تربیوی سپرده می شود، خارنوال اختصاصی اطفال مکلف است قبل از این که علیه طفل مذکور قرار قانونی اتخاذ نماید با مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی ذیربط مشورت نماید.

مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف اند معلومات لازم را در مورد وضعیت زندگی طفل وسلوک وی، همراه با پیشنهادات درباره طفل مذکور، به خارنوالی و محکمه مربوط گزارش دهند.

ب: احضار طفل

هرگاه طفل بدون اقارب و سرپرست به مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی تسلیم داده شود، مراکز و مؤسسات مذکور مکلف اند در صورت ضرورت طفلی که تحت مراقبت شان قرار دارد، جهت اكمال تحقیق یا محاکمه در وقت معینه حاضر نمایند^۱.

ج: ارائه گزارش

نظریه احکام مندرج ماده ۴۳ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، ادارات مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف اند، حین تطبیق مجازات اطفال تحت حجز شان، در هر سه ماه یا عندالمطالبه به خازنوالی یا محکمه مربوطه گزارش ارائه نمایند.

خازنوال و قاضی اختصاصی اطفال، حد اقل ماه یک بار باید از محلاتی که اطفال را در آن تحت حجز قرار می دهند، دیدن نموده و امورات مربوط به آنها را بررسی نمایند^۲. مثلاً از امور تغذیه اطفال نظارت کنند، امور مربوط به حجز شان را بررسی نمایند. طور مثال این که آیا مدت حجز کسی تکمیل شده و یا خیر. آیا فرامین مبنی بر عفو و تخفیف بالای آنها تطبیق شده و یا خیر.

این مکلفیت تنها منحصر به حالتی نیست که طفل مرتکب جنایت یا جنحه شده باشد بلکه حالت اطفال دارای سلوک و رفتار غیرعادی را نیز در بر می گیرد، فقره چهارم ماده ۴۸ در این باره چنین تصریح می کند: «مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی می تواند نظریات و پیشنهادات لازم مبنی بر تعدیلات جزئی در حکم محکمه که در اصلاح پذیری و بازگشت مجدد طفل به جامعه مؤثر واقع گردد، به محکمه ارائه نماید». هم چنان در مورد کمک به اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت، نظریه حکم ماده ۵۴، مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلفند، دساتیر صادره محاکم اختصاصی اطفال را مراقبت نموده و گزارش اصلاح پذیری طفل را ماهانه به محاکم مربوط ارائه نمایند».

جایگزین مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، مراکز اصلاح و تربیت اطفال است. در این مراکز، مدیریت خدمات اجتماعی وجود دارد.

ماده ۴۰ و سوم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین صراحت دار: «ادارات مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف اند، حین تطبیق مجازات اطفال تحت حجز شان، در

^۱. ماده ۲۵ قانون رسیدگی به تخلفات اطفال در زمینه چنین صراحت دارد: «(۱) طفل متهم جهت تحقیق یا محاکمه از طریق ممثل قانونی وی احضار می گردد. در صورتیکه ممثل قانونی طفل را حین احضار همراهی نکند، به حکم محکمه مبلغ پنجصد افغانی جریمه می گردد.

(۲) هرگاه طفل در مراکز اصلاح و تربیت اطفال تحت توقیف باشد، در صورت ضرورت جهت اكمال تحقیق و یا محاکمه جلب آنها از طریق مراکز مذکور صورت میگیرد.

(۳) ممثل قانونی طفل، مسولین مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا سائر مؤسسات آموزشی و پرورشی مکلف اند در صورت ضرورت طفلیکه تحت مراقبت یا توقیف شان قرار دارد، جهت اكمال تحقیق یا محاکمه در وقت معینه حاضر نمایند».

^۲. قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال، فرمان شماره (۱۴۱) تاریخ ۲۲ / ۱۰ / ۱۳۸۷.

هر سه ماه و یا عندالمطالبه به خازنوالی و محکمه مربوط گزارش ارائه نمایند. خازنوال و قاضی اختصاصی اطفال حد اقل ماه يك بار از محل تحت حجز اطفال دیدن می نماید».

د: مراقبت از تطبیق حکم

مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، مکلف اند هم از تطبیق حکم حجز وسایر هدایاتی که از طرف محکمه اختصاصی اطفال در زمینه صادرگردیده است. در مراکز اصلاح و تربیت اطفال مراقبت نمایند و هم از موثریت تطبیق این حکم و اصلاح پذیری اطفال به محکمه در هر سه ماه گزارش دهند.

ماده چهل و چهارم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال چنین مشعر است: « مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف اند از تطبیق حکم حجز در مراکز اصلاح و ترتیب اطفال وسایر هدایاتی که از طرف محکمه اختصاصی اطفال در زمینه صادر گردیده است، مراقبت نموده وگزارشی مبنی بر اصلاح پذیری طفل را در هر سه ماه یا طبق دستور قاضی، به محکمه مربوط ارائه نمایند».

مبحث دوم: وظایف و صلاحیت‌های مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی

خدمات اجتماعی در مورد اطفال

الف: تجدید نظر در پروگرام‌های اصلاحی:

طبق فقره ۵ ماده ۱۰۹ کود جزاء، ، یکی از تصامیم محکمه در قبال طفل متخلف، فرستادن وی به مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی است.

هرگاه این تصمیم مؤثر واقع نشده باشد، ممثل قانونی، رئیس مرکز اصلاح و تربیت اطفال و یا رئیس مؤسسه خدمات اجتماعی که طفل تحت حجز آن‌ها قرار دارد، می‌توانند که تقاضای تجدید نظر بر پروگرام‌های اصلاحی و تدابیر توصیه شده را از محکمه مربوطه نمایند.

هرگاه محکمه به انجام کارهای خدمات اجتماعی حکم کند و انجام این خدمات برای تربیت طفل مؤثر نباشد، یا تأثیرات سوء داشته باشد، محکمه می‌تواند در اثر تقاضای تجدید نظر، حکم خویش را تعدیل نماید .

مادهٔ چهل و پنجم: قانون رسیدگی به تخلفات اطفال به مراکز اصلاح و تربیت اطفال، مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی و ممثل قانونی طفل صلاحیت وسیع داده چنین تصریح می‌کند: «ممثل قانونی طفل، رئیس مرکز اصلاح و تربیت اطفال یا رئیس مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی که طفل نزد آن‌ها تحت حجز قرار دارد، می‌تواند هر زمان از محکمه اختصاصی اطفال تقاضای تجدید نظر پروگرام‌های اصلاحی یا تدابیر، توصیه شده دیگر را نمایند».

در مورد چگونگی برخورد با اطفال دارای سلوک و رفتار غیرعادی، در فقره سوم مادهٔ چهل و هشتم تصریح شده است که مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف است سلوک و رفتار طفل را مراقبت و تسهیلات لازم را به منظور برگشت طفل به زندگی عادی اجتماعی فراهم نموده و در زمینه تماس‌های دوامدار را با فامیل طفل تأمین و از موضوع وقتاً فوقتاً گزارشی مبنی بر اصلاح پذیری طفل و تطبیق دساتیر توصیه شده را به محکمه مربوط ارائه نماید.

ب: فراهم آوری تسهیلات:

مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی نظریه مادهٔ چهل و نهم قانون رسیدگی به تخلفات اطفال مکلف است تا تسهیلات لازم را جهت ملاقات طفل با خانواده و محیط‌اش فراهم نماید، همچنان مکلف است از تطبیق دساتیر توصیه شدهٔ محکمه در مورد طفل مراقبت نموده و در هر ماه یا عندالمطالبه گزارشی را به محکمهٔ اختصاصی اطفال ارائه نماید.

مبحث سوم: انواع حجز در مراکز اصلاح و تربیت اطفال

حجز در مراکز اصلاح و تربیت اطفال دو نوع است.

بر اساس ماده ۷ قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال، زمانی که اطفال متخلف، محکوم به حجز می شود در یکی از دو بخش های ذیل فرستاده می شوند:

الف: حجز در بخش باز مرکز اصلاح و تربیت اطفال

بخش باز: : محلی است که اطفال متخلف از قانون، در آن از طرف روز نگهداری و تحت آموزش و تربیه قرار گرفته و از طرف شب بر اساس ضمانت کتبی مبنی بر احضار همه روزه آنها، به اولیا یا ممثل قانونی شان تسلیم داده می شوند .

ب: حجز در بخش بسته مرکز اصلاح و تربیت اطفال

اطفال که تخلف ایشان نسبتاً جسیم باشد در بخش باز نه، بلکه در بخش بسته مراکز اصلاح و تربیت اطفال محکوم به حجز می شوند چنانچه فقره ۲ ماده ۷ قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال، بخش بسته را چنین تعریف نموده :

بخش بسته: عبارت از محلی است که اطفال متخلف از قانون ، شب و روز غرض آموزش و تربیه در آن نگهداری می شوند.

نتیجه گیری فصل چهارم:

بعد از بررسی موضوع مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی در امور اطفال، به نتایج ذیل رسیدیم:

۱. مراکز اصلاح و تربیت اطفال، همچنان مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، در امور رسیدگی به تخلفات اطفال نقش برآزنده دارند؛
۲. مراکز و مؤسسات مربوط به اطفال، دو نوع وظایف و صلاحیت ها را اعمال می کنند؛ که اول آن مربوط به ارگان های قضائی می باشد، و دوم آن به اطفال تعلق می گیرد؛
۳. ادارات مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف اند، حین تطبیق مجازات اطفال تحت حجز شان، در هر سه ماه یا عندالمطالبه به خارنوالی یا محکمه مربوطه گزارش ارائه نمایند؛
۴. خارنوال و قاضی اختصاصی اطفال، حد اقل ماه یک بار باید از محلاتی که اطفال را در آن تحت حجز قرار میدهند، دیدن نموده و امورات مربوط به آنها را بررسی نمایند؛
۵. مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی، مکلف اند هم از تطبیق حکم حجز و سایر هدیاتی که از طرف محکمه اختصاصی اطفال در زمینه صادرگردیده است در مراکز اصلاح و تربیت اطفال مراقبت نمایند و هم از موثریت تطبیق این حکم و از اصلاح پذیری اطفال به محکمه در هر سه ماه گزارش دهند؛
۶. مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی می توانند تقاضای تجدید نظر بر پروگرام های اصلاحی و تدابیر توصیه شده را از محکمه مربوطه نمایند؛
۷. مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف است تسهیلات لازم را جهت ملاقات طفل با خانواده و محیط اش فراهم نماید، همچنان مکلف است از تطبیق دساتیر توصیه شده محکمه در مورد طفل مراقبت نموده و در هر ماه یا عندالمطالبه گزارشی را به محکمه اختصاصی اطفال ارائه نماید؛
۸. حجز در مراکز اصلاح و تربیت اطفال دو نوع است، حجز در بخش باز مرکز اصلاح و تربیت اطفال و حجز در بخش بسته مرکز اصلاح و تربیت اطفال.

منابع و مأخذ:

الف- قوانین :

۱۰. قانون اساسی افغانستان، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۸۱۸) سال ۱۳۸۲، کابل مطبعه دولتی.
۱۱. قانون اجراءات جزائی، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۳۲) سال ۱۳۹۳، کابل مطبعه دولتی.
۱۲. قانون تشکیل و صلاحیت قوه قضائیه، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۴۶)، سال ۱۳۹۳.
۱۳. قانون حمایت حقوق طفل، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۳۳۴) سال ۱۳۹۷، مطبعه دولتی.
۱۴. کود جزاء، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۲۶۰) سال ۱۳۹۶، کابل مطبعه دولتی.
۱۵. قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۸۴۶) سال ۱۳۸۴.
۱۶. قانون سرپرستی اطفال، وزارت عدلیه، منتشره جریده رسمی شماره (۱۱۳۰) سال ۱۳۹۳.
۱۷. قانون مراکز اصلاح و تربیت اطفال، فرمان شماره (۱۴۱) سال ۱۳۸۷.
۱۸. میثاق حقوق طفل در اسلام، جریده رسمی شماره (۱۳۳۰) سال ۱۳۹۷.

ب - کتب و مقاله‌ها :

۱. الزحیلی، وهبه، قضايا الفقه والفکر المعاصر، دار الفکر، دمشق، الطبعة الثالثة، ۱۴۳۳ هـ.
۲. الرزقاء، مصطفى، المدخل الفقهي العام، دار القلم، دمشق، الطبعة الثالثة، ۲۰۰۴ م.
۳. عوده، عبدالقادر، التشريع الجنائي الاسلامي، بيروت: ج ۱، مؤسسه الرساله، (۱۹۹۴).
۴. کنوانسیون حقوق کودک مصوب نوامبر ۱۹۸۹.
۵. مرعشي، سيد محمد حسن، نظرات فقهي وحقوقي در خصوص بلوغ و رشد، تهران ماهنامه دادرسي، ۱۳۷۹.
۶. الموسوعة الفقهية الكويتية، وزارة الأوقاف والشؤون الإسلامية - الكويت؛ الطبعة الثانية.
۷. موسوي بجنوردي، محمد، بلوغ، تهران: ماهنامه متين، (۱۳۷۸)، سال اول، شماره ۲.
۸. مهرا، نسرین، عدالت كيفري اطفال از منظر حقوق بين الملل، تهران: مجله تحقيقات حقوقي، ۱۳۸۲، شماره ۳۸.